مجموعه مقالات و یادداشت‌های منتشر شده در کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران

به مناسبت ماه جهانی مددکاری اجتماعی ۲۰۱۵

(زمستان ۹۳)

گردآوری: جواد طلسچی یکتا

سرشناسه	:	طلسچی یکتا، جواد، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات و یادداشت‌های منتشر شده در کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران/جواد طلسچی یکتا
مشخصات نشر	:	تهران: سخنوران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۲ ص
شابک	:	۱۵۰۰۰۰ ریال ۵-۱۶۰-۳۸۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir : قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۸۲۶۲۳۴

کارگر شمالی، بعد از ادوارد براون، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۷۶۳۰۶ – ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳

Sokhanvaran_pub@yahoo. com

عنوان کتاب	:	**مجموعه مقالات و یادداشت‌های منتشر شده در کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران**
گردآورنده	:	جواد طلسچی یکتا
ناشر	:	سخنوران
صفحه‌آرا و طراح جلد	:	سخنوران
سال و نوبت چاپ	:	۱۳۹۴ - اول
شمارگان:	:	۱۰۰۰ نسخه
شابک	:	۵-۱۶۰-۳۸۳-۶۰۰-۹۷۸
مرکز پخش	:	۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳
قیمت	:	۱۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه ۹

جواد طلسچی یکتا ۹

فراخوان مقاله و یادداشت برای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران به مناسبت روز جهانی مددکاری اجتماعی ۱۱

جواد طلسچی یکتا ۱۲

شروع کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران ۱۳

جواد طلسچی یکتا ۱۴

ماه جهـــانی مددکـــاری اجتمـــاعی و بازنشـــر نامه یک مددکار اجتماعی به رئیس جمهور ۱۵

مریم پرمحمدی آذر ۱۷

مددکاران اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها ۱۹

نازنین روستا ۲۰

روز جهانی مددکاری اجتماعی و ارزشمند شمردن تفاوت‌ها و احترام به عقاید ۲۱

احمد علی جبارزاده ۲۲

تحلیل مقایسه‌ای مددکاری اجتماعی و سایر حرفه‌های خدمات انسانی ۲۳

علیرضا ایزدپور ۳۲

مددکاری اجتماعی؛ آرزوی کودکی شغل بزرگسالی ۳۳

روزنامه همشهری ۳۶

رعایت شان و مقام مددجویان در گرو احترام به شان و منزلت مددکاران اجتماعی ۳۷

امین موحدی ۳۸

ضرورت حضور مددکاران اجتماعی در مدارس ۳۹

رضا ببری ۴۱

در جستجوی حقوق انسانی؛ از مادرترزا تا مادر مددکاری اجتماعی ایران..... ۴۳
امیر مغنی باشی ۴۵

مددکاران اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها..... ۴۷
مریم بابایان..... ۴۹

بیانیهء حین اجرای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران ۵۱
کار گروه تخصصی مجری کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایرانیان ۵۲

حمایت از حقوق بشر برای همگان، و خوب است بدانیم مددکار اجتماعی، یکی از همگان است!... ۵۳
صابره صادقی ۵۶

باز نشر مقاله روز جهانی مددکاری اجتماعی سال گذشته ۵۷
عباسعلی یزدانی ۶۰

احترام گذاشتن و قبول مقام انسانی: در مددکاری اجتماعی ۶۱
جوهرقلی..... ۶۲

ضعف حضور مددکار در عرصه‌های مختلف اجتماعی / مددکاران را نمی شناسند ۶۳
مریم پرمحمدی آذر..... ۶۴

پست‌های مددکاری اجتماعی توسط چه کسانی اشغال شده است؟..... ۶۵
کبری راد ۶۸

نامه سرگشاده یک مددکار اجتماعی به وزیر علوم..... ۶۹
احمدعلی جبارزاده ۷۰

مددکاری اجتماعی؛ آرزوی کودکی شغل بزرگسالی ۷۱
روزنامه همشهری ۷۴

جایگاه مددکاران اجتماعی در افزایش سرمایه اجتماعی..... ۷۵
مریم عباسی ۷۸

"به عمل کار برآید به سخندانی نیست"..... ۷۹
مرتضی دانائی فر ۸۱

رویکرد انسجام نظری _ عملی افسوس واسطه زدگی پدیده ها، غفلت از پیشگیری ۸۳
سید احمد رحیمی ۸۵

مددکاران اجتماعی در پی شان و مقام انسانها ۸۷
بهروز علائی ۹۲

مددکاری اجتماعی و آزادسازی صداهای سرکوب شده ۹۳
کبری راد ۹۷

مددکاری اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها ۹۹
مهدی فلاحی ۱۰۰

روز جهانی مددکاری اجتماعی و آزاد سازی صداهای سرکوب‌شده ۱۰۱
مهری فتایی ۱۰۴

احترام به عقاید و ارزشمند شمردن تفاوتها ۱۰۵
حامد علمایی ۱۰۷

...فقط اگر انسان ارجمند بود ۱۰۹
عباسعلی یزدانی ۱۱۱

به بهانه روز جهانی مددکاری اجتماعی؛ سهم ایران در تولید دانش مددکاری اجتماعی در جهان چقدر است؟ ۱۱۳
سید حسن موسوی چلک ۱۱۴

آسیب اجتماعی مقدم بر مسأله اجتماعی ۱۱۵
مریم پرمحمدی آذر ۱۱۶

ضرورت تغییرات بنیادین در مددکاری اجتماعی ۱۱۷
احمدعلی جبارزاده ۱۱۹

روز جهانی مددکاری اجتماعی و حقوق بشر برای همگان ۱۲۱
طیبه جعفری ۱۲۲

بیانیه حسن ختام کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران به مناسبت ماه جهانی مددکاری

اجتماعی ۱۲۳

همراهان ما در این کارزار رسانه‌ای..... ۱۲۵

جواد طلسچی یکتا ۱۲۹

کارزار رسانه‌ای ۱۳۰

نمایشی بزرگ از اتحاد و همدلی مددکاران اجتماعی ۱۳۰

وبسایت تخصصی مددکاران اجتماعی..... ۱۳۱

مقدمه

کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران، به مناسبت ماه جهانی مددکاری اجتماعی سال ۲۰۱۵ با مشارکت بیش از ۳۰ نفر از مددکاران فعال در حوزه‌های مختلف تخصصی و همراهی ده‌ها وبسایت معتبر و فعال، از طریق انتشار گسترده مقالات و یادداشت‌های مرتبط با شعارهای پوستر روز جهانی مددکاری اجتماعی با مدیریت و رهبری وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان به مدت ۳۸ روز کاری، برنامه‌ریزی و اجرا گردید.

جواد طلسچی یکتا

مدیریت وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایران

The Iranian social worker press campaign was done with participating of more than 30 active social workers and offiacal websites in different specilazed fileds through mass publishing of Related papers and notes with slogns of the social worker's day poster.

This press campain was done by the managment and leading of the Iranian offical social workers website for 38 working dayes For the honor of social worker's month in 2015.

Javad Teleschi Yekta
The Iranian offical social workers website

فراخوان مقاله و یادداشت برای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران به مناسبت روز جهانی مددکاری اجتماعی

با توجه به نزدیک شدن ماه مارس – ماه جهانی مددکاری اجتماعی – و ۲۶ اسفند روز جهانی مددکاری اجتماعی، وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان در طرحی جدید با هدف گرامیداشت ایام جهانی مددکاری اجتماعی و با مشارکت جمیع وب سایتها و پایگاههای خبری مددکاری اجتماعی کشور برای اولین بار در صدد اجرای کارزار رسانه‌ای جدید در فضای مجازی و در راستای اهداف مندرج در پوستر روز جهانی مددکاری اجتماعی می‌باشد. لذا کلیه نویسندگان و فعالان حوزه مددکاری اجتماعی ایران می‌توانند با ارسال مقالات و یادداشتهایی با محتوای موضوعی مرتبط با اهداف این کارزار رسانه‌ای به ما بپیوندند. بدیهی است مقالات و یادداشتهای دریافتی پس از مطالعه و بررسی‌های مقتضی توسط تیم تخصصی وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان، به نام نویسندگان در کلیه وبسایتها و پایگاه‌های خبری مشارکت کننده منتشر خواهد شد.

موضوعات مقالات و یادداشتها

- مددکاران اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها
- جوامع با حرمت – آینده پایدار
- احترام به عقاید و ارزشمند شمردن تفاوتها

- حمایت از حقوق بشر برای همگان
- هرگونه مطالب، یادداشتها و طرح ایده‌ها برای روز جهانی مددکاری اجتماعی

مهلت ارسال مقالات و یادداشتها

ارسال مقالات از دهم بهمن ماه سال جاری شروع و پس از بررسی و تایید از ۱۸ بهمن ماه به تدریج در پایگاهها و سایتهای مددکاری اجتماعی منتشر و زمان پایان این کارزار رسانه‌ای ۲۶ اسفند ماه روز جهانی مددکاری اجتماعی خواهد بود.

جواد طلسچی یکتا

دبیر کمیته اجرایی و مدیر وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان

منتشر شده در تاریخ ۵ بهمن ۹۳

شروع کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران

وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان بر حسب رسالت و اهداف متعالی ترسیم شده در نقشه راه خود، تثبیت جایگاه حرفه‌ای مددکاران اجتماعی ایران را در جای جای کشور یکی از وظایف اصلی خود می‌داند و بی شک این مهم تا زمان محقق شدن شرایط مطلوب و ایده آل ادامه دار خواهد بود. این شرایط مطلوب و ایده آل مذکور وضعیت خاصی نیست بغیر از محقق شدن مبحث تخصصی مددکاری اجتماعی در سازمانهای دولتی و غیر دولتی ایران بوسیله مددکاران اجتماعی متخصص.

در خصوص کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایرانیان لازم به ذکر است که فارغ از توجه صرف به اسامی و عناوین و القاب و ...، صرفا هدف خطیر رساندن صدای مددکاران اجتماعی ایران در ابعاد مختلف، به مسوولان سازمانهای متولی امر در دستور کار ما بوده است و می‌باشد.

شایان ذکر است بر حسب وظیفه و با هدف پیشگیری از پررنگ شدن و یا غالب شدن تفکر یا تفکرات بخصوصی، طی فراخوان‌های متعدد بعمل آمده از کلیه مددکاران اجتماعی ایران جهت حضور در این برنامه رسانه‌ای دعوت به همکاری نمودیم.

عده‌ای ما را همراهی نمودند و عده قابل توجهی هم بدلایل متعددی از جمله نگرانی‌های کاملا غیر ضروری مرتبط با از دست دادن جایگاه شغلی فعلی و ... تن به همکاری با ما ندادند...

علی ایحال ضمن تشکر ویژه از دلسوزان واقعی این حرفه مظلوم، کلیه کسانی که (با اعتماد قلبی به اهداف و عملکرد چندین و چندین ساله ما) با ارسال یادداشتها و مقالاتشان و خصوصا با در اختیار قرار دادن تریبون‌های ارزشمندشان در فضای مجازی و ...، ما را در این مسیر همراهی نمودند، شروع این فعالیت رسانه‌ای را با احترام و لحاظ نمودن موازین و اصول نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌داریم.

جواد طلسچی یکتا

مدیریت وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان

منتشر شده در تاریخ ۱۶ بهمن ۹۳

ماه جهـــانی مددکـــاری اجتمـــاعی و بازنشـــر نامه یک مددکار اجتماعی به رئیس جمهور

امروز می‌خواهم از زبان یک مددکار اجتماعی حرف بزنم و نمی‌دانم چـرا مـا مـددکاران در معرفی خودمان اول حرفه‌مان را می‌گوییم و بعد اسممان را. شاید برای این است که حرفه‌مـان را مهم‌تر از خودمان می‌دانیم.

مددکاران اجتماعی در بطن جامعه هستند و مسـتقیم و بـی‌واسـطه بـا مـردم در ارتباطنـد. مددکاران اجتماعی عناصری نامرئی هستند که کارشان تحکیم پای بست ستون‌هـای جامعـه است.

آقای رئیس‌جمهور شاید شما هرگز نامه مرا نخوانید اما من باید بنویسم :

آقای رئیس‌جمهور، حالا که بر صندلی ریاست نشسته‌اید چقدر از وضعیت اجتماعی حاکم بر کشور باخبر هستید؟

قطعا شما هم با من موافقید که مردم این سـرزمین شایسـته زنـدگی بهتـری هسـتند. آیـا

می‌دانید برخی از جوانان برومند این سرزمین متاسفانه به مصرف موادمخدر صنعتی خانمان‌سوزی چون شیشه اعتیاد پیدا کرده‌اند؟ آیا می‌دانید زنان سرپرست خانوار با چه مشکلاتی سر و کار دارند؟ آیا می‌دانید دختران و زنان بدون خانواده و رهاشده، جایی ندارند تا در آن با توجه به کرامات انسانیشان نگهداری شوند؟ آیا می‌دانید با این روند بیکاری، پسران جوان تمایلی به تشکیل خانواده ندارند و بخشی از آنها که ازدواج می‌کنند برای پایداری زندگیشان با مشکلاتی مواجهند؟ آیا می‌دانید مردان لایق و جسور این سرزمین از شرم ناکافی بودن درآمد تا پاسی از شب کار می‌کنند و ارتباطشان با زن و فرزندانشان با خستگی تعریف می‌شود؟ آیا می‌دانید جای واحدهای مهم آموزش مهارت‌های بهتر زیستن در مدارس و دانشگاه‌ها خالی است؟ آیا می‌دانید مردم با همان امیدواری که به شما رای داده‌اند، می‌خواهند امیدوارتر بمانند؟ آیا می‌دانید جامعه به طور طبیعی دارای انتظاراتی است که نباید به توقع تبدیل شوند؟ آیا می‌دانید کشوری را می‌توان مرفه نامید که یکی از معیارهای رفاه آن درجه شادبودن مردمش است؟ آیا می‌دانید با اینکه برخی سیاسیون بعضی اوقات فراموش می‌کنند چه وعده‌هایی داده‌اند، مردم مرتبا وعده‌هایشان را بازخوانی می‌کنند. آیا می‌دانید سلامت در تمامی ابعادش فکری نو می‌تراود و تراوش اندیشه از انسانی سالم، جامعه سالم را می‌سازد و جامعه سالم کارشما را کمتر می‌کند چراکه خود راهش را پیدا می‌کند و به مقصد مطلوب می‌رسد؟ آیا می‌دانید که مددکاران اجتماعی هرگز به انسانی نمی‌گویند راه تو کدام است، زیرا معتقدند همه مردم توانمندند و فقط باید خودشان را یافته و جدی بگیرند؟ آیا می‌دانید مردم در تمنای رسیدن به عشق، صداقت، تفکر سالم، جامعه سالم و همان اعتدال و تدبیر و امید که به‌عنوان یک مددکار اجتماعی به آنها معتقدم، شما را برگزیدند؟ آیا می‌دانید اگر بذر امید را نه در کلام که در عمل به جامعه بپاشید، چیزی درو نمی‌کنید جز همکاری و فداکاری؟

فراموش نکنیم نسل امروز فرزندان شجاع و برومند پایمردان جبهه‌های دیروزند. آیا می‌دانید واژه آسیب اجتماعی نقل محفل‌هاست؟ پس وجود دارد، بیاییم کتمانش نکنیم.

آیا می‌دانید مهاجرت‌های اجباری برخی هم‌میهنانمان و خروج مغزها چه پیامدهایی دارد؟ آیا می‌دانید فاصله طبقاتی پیش‌رونده و دریافت احساس ناخوشایند تبعیض و محرومیت از برخی از اساسی‌ترین نیازها، روان انسان را به هم می‌ریزد و لطمات بعضا جبران‌ناپذیری برای جامعه دارد؟

می‌دانید که نفس انسانی با احترام به خود و دیگری و حفظ کرامت‌های والای انسانی گره خورده است؛ خاطره بی‌احترامی دیروز و عدم جبران امروز، فردایی پر از خشم می‌سازد. حتما می‌دانید. به امید آینده بهتر.

مریم پرمحمدی آذر

مددکار اجتماعی

مددکاران اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها

مددکاران اجتماعی همواره به دنبال ایجاد رابطه ی حرفه‌ای مبتنی بر اصل احترام به انسان‌ها و رعایت اصول و ارزش‌های انسانی بوده و هستند.

یکی از موضوعاتی که همه مددکاران با آن سر و کار دارند احترام به انسان‌ها و پذیرش بی قید وشرط آنها بوده است، پذیرشی بدون قضاوت و غرض ورزی و در پی آن تشخیص برای یافتن مشکل می‌باشد.

اعتقاد ما مددکاران این است که انسان‌ها از هر قومیت و نژاد، هر رنگ پوست و یا به هر زبانی و لهجه‌ای که صحبت می‌کنند، فقیر و غنی، زیبا و زشت، در اصل انسان هستند و قابل احترام و همگی باید در جامعه شرایط مناسب و برابری داشته باشند.

آسیب دیدگان اجتماعی اعم از معتادین، روسپی و به اصطلاح دختران فراری، نوجوانان بزهکار و...

همگی دارای شأن انسانی هستند و همگی با ماهیت مشکلی که دارند این عنوان‌های سنگین را با خود به دوش می‌کشند.

پس باید به معنای واقعی انسان بود تا بتوان هم نوعان خود را همانطور که هستند باور

کرده باید بپذیریم که هر انسانی دارای شخصیت و شرایط منحصر به فرد خویش و با سبک خاص زندگی خویش در همه جای دنیا حق زندگی و برخورداری از احترام را دارد. باید قضاوت نکرد و به همین سادگی...

کافیست همه افراد دنیا مانند یک مددکار واقعی دنیا را بنگرند و به ارزش‌ها و تفاوت‌ها احترام بگذاریم. آنوقت همدلی جای خود را به قضاوت‌های ناعادلانه می‌دهد و جهان در صلح و آرامش فرو می‌رود.

شاید اگر در مواجه با فردی که دچار مشکل و مسأله‌ای خاص گردیده و به وی برچسب هایی که ناعادلانه هستند می‌زنیم، یک لحظه و فقط یک لحظه خود را به جای وی بگذاریم و شرایط او را درک کنیم و به انسان بودنش احترام بگذاریم با همدلی یک قدم برای حل مشکلش برداشته ایم.

ما مددکاران اجتماعی افتخار این را داریم که همواره با در نظر گرفتن اصل احترام به مقام انسانی در فرایند شناخت و حل مشکل پیشگامانی در برقراری آرامش و امنیت اجتماعی هستیم و برای ساختن دنیایی زیباتر و آینده‌ای روشن تر و صادقانه گام بر می‌داریم.

نازنین روستا

مددکار اجتماعی

روز جهانی مددکاری اجتماعی و ارزشمند شمردن تفاوت‌ها و احترام به عقاید

در برهه‌ای از زمان زندگی می‌کنیم که علیرغم تفاوتهای نـژادی، فرهنگـی، دینـی، زبـانی و جنسیتی انسانها در حال جمع شدن پیرامون ارزشهای یکسان می‌باشند. ارزشهایی که مرز نمـی شناسد و انسان به صرف انسان بودن به آن معتقد می‌گردد و احترام می‌گذارد. یکـی از ایـن ارزشها احترام به عقاید و ارزشمند شمردن تفاوتهاست.

این ارزش چه در یک رابطه دو نفره، چه در یک خانواده و چه در روابط بین المللی دولتها تاثیرات عمیق و انسانی دارد و نادیده گرفتن آن فاجعه‌ای عمیق تر!! بـی شـک حرفـه‌هـای یاورانه‌ای چون مددکاری اجتماعی از جمله حرفه هایی اسـت کـه اسـتفاده از ایـن دیـدگاه ارزشی آنرا غنی می‌کند.

مددکار اجتماعی که در تفکر و در عمل به عقاید مراجعین و مخاطبانش احترام می‌گـذارد و نیز تفاوتهای انسانی را محترم می‌شمارد، در کار حرفه‌ای خود موفق خواهـد بـود و سـبب

زایش اندیشه و به تبع آن توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در پی خواهد داشت. نیز بهداشت روانی سالم جامعه محصول دیگر چنین عملکردی خواهد بود.

نگاهی ژرف و منتقدانه در رفتارهای مددکاری خودمان چه در قالب عملگرایانه و چه در قالب مدیریتی گاه خلاف این را نشان می‌دهد. می‌بینیم مددکارانی را که نه به عقاید احترام می‌گذارند و نه تفاوتها را محترم می‌شمارند!!!

گاه ملاک درستی یا غلطی رفتار، رفتار و خواسته‌های ما می‌شود ! اگر منطبق با اراده ما بود که خوب است و ارزشمند ! و اگر بر خلاف اراده ما، می‌توانیم عقاید را بکوبیم و تفاوتها را به سخره بگیریم.

در چنین وضعیت آنچه می‌شود از بین رفتن کرامت انسانی است و آنچه می‌ماند شعارهای تو خالی که به درد نمایش دادن می‌خورد. هر گونه تغییر و تحولی رو به رشد مستلزم محترم شدن اندیشه‌ها و پذیرش تفاوتهاست. معتقدم زیبایی جامعه انسانی نه در یک دست بودن صداها و احساسات و افکار آدمی که در تعدد آراء، تنوع سلایق، رنگارنگی احساسات و شغل‌ها و پوشش‌های مکمل هم می‌باشد.

جامعه یکدست جامعه مرده است و جامعه متنوع جامعه زنده. این تفاوتها و تنوع‌ها مبتنی بر احترام متقابل و رعایت هنجارها خواهد بود و از یک نظمی زیبا برخوردار است.

امیدوارم ما مددکاران اجتماعی وابسته به جامعه جهانی مددکاری در پیشبرد ارزشهای انسانی از جمله احترام به عقاید و ارزشمند شمردن تفاوتها پیشرو و ثابت قدم باشیم. اگر چه شاید و بعضا رعایت این اصل نفع شخصی برایمان در پی نداشته باشد.

احمد علی جبارزاده

مددکار اجتماعی

تحلیل مقایسه‌ای مددکاری اجتماعی و سایر حرفه‌های خدمات انسانی

پیش از همه « یاریگران حرفه‌ای » از مددکاران اجتماعی انتظار می‌رود هنگام کار با افراد تاثیر محیط مخصوصا محیط اجتماعی را با اهمیت و مهم تلقی کنند. آنها در هنگام کار با افراد می‌بایست هم بافت اجتماعی کلان، میانه و هم سطح خرد را مد نظر قرار دهند.

فراوانی نعمت خوشبختی و سعادت به بار نمی آورد تملکات مادی نیازهای انسان را برآورده نمی کند. متخصصان حرفه‌ای خدمات انسانی تلاش می کنند زندگی مددجویان و مراجعان را بالا ببرند.

توسعه اقتصادی و علمی دنیای صنعتی تضادهایی را بوجود آورده است به همان اندازه که توانایی جامعه برای تولید و تأمین نیازهای مادی مردم افزایش می‌یابد. توانایی افراد برای کسب رضایت و خشنودی کاهش پیدا می کند – پیشرفت‌های حاصله از صنعتی شدن ما را برای ایجاد رشته‌های علمی به منظور مطالعه و یافتن راه حلهایی برای درک انسان و مشکلات اجتماعی توانا ساخته است. جامعه شناسی، مردم شناسی علوم سیاسی و اقتصاد جزء آن دسته از رشته‌های علمی به حساب می‌آیند که سعی داشته اند موقعیت انسان را با هدف رضایت و خشنودی در زندگی مطالعه کنند. همزمان با بررسی علوم در زمینه مشکلات انسان متخصصان یارگیری با بهره گیری از یافته‌های دانشمندان علوم اجتماعی در زمینه مشکلات انسان مداخله نموده اند. رفتار بسیار پیچیده انسان باعث شده رشته‌های علوم اجتماعی همواره با یکدیگر همپوشی یا تداخل داشته باشند. این هم پوشی در حرفه‌های خدمات انسانی نیز ملاحظه می‌شود.

تفاوت بین حرفه‌ها

علی‌رغم همپوشی قابل توجهی که در حرفه‌های خدمات انسانی وجود دارد گوناگونی

خدماتی که هر کدام ارائه می‌کنند کارآموزیهای ویژه و آموزشی که هر کدام لازم دارند بی اندازه است.

در میان حرفه‌های خدمات انسانی طولانی ترین دوره کارآموزی مخصوص روانپزشکان است، زیرا ابتدا دوره عمومی طب را به پایان می‌رسانند و سپس یک دوره سه، چهار ساله تخصصی روانپزشکی را می‌گذرانند در آموزش مددکاران اجتماعی نیز نظریات متفاوتی وجود دارد برخی از صاحب نظران عقیده دارند دانشجوی مددکاری باید در علومی نظیر رشد و نمو جسمانی، عوامل زیست شناختی، نمو عقلی و عاطفی طبیعت و ذات اجتماعی و روانی به علاوه آگاهی از جریانات اجتماعی، اثرات فرهنگی و اجتماعی بر روی رفتار انسان، زمینه‌های تاریخی و نهادهای حقوقی، حکومتی، مطالعه در وضع گروهها و روابط آنها با یکدیگر، مبانی فرهنگی جامعه، تحولات اجتماعی، کجرفتاریها، ناهنجاریهای اجتماعی و همچنین علوم پزشکی تغذیه و آمار و تحقیق و سیاست، فهم و دانش داشته باشند.

عده‌ای دیگر اساس آموزش مددکاری را بر روان شناسی و روان شناسی اجتماعی و روانپزشکی قرار می‌دهند و گروهی نیز آموزش مددکاری را بیشتر بر مسائل جامعه شناسی و انسان شناسی متکی می‌دانند و دسته‌ای نیز اعتقاد دارند دانشجویان مددکاری باید براساس روان شناسی و جامعه شناسی به طور توام تعلیم بینند.

به طور کلی آنچه تا حدی صاحب نظران رشته مددکاری اجتماعی را متفق القول در چگونگی آموزش مددکاری کرده عبارت است از:

*آموزش در زمینه علوم اجتماعی و ساختار وظایف خدمات رفاه اجتماعی در جامعه

*روش شناسی، یعنی راههایی که آموخته‌های مربوط اجتماعی در اصول و عمل خدمات اجتماعی از طریق مددکاری به کار می‌رود.

*کار آموزی و کسب تجربه در مؤسسات اجتماعی یعنی آنجا که دانشجویان می‌آموزند که دانسته‌های خود را در توسعه مهارتهای مددکاری اجتماعی و استفاده از منابع اجتماعی برای خدمات اجتماعی بکار برند. « خاکساری ۱۳۷۲ ص : ۴۴ و ۴۵»

نکته قابل توجه و از همه مهمتر آنکه هر یک از حرفه‌های یاری کننده، در عین حالی که در بعضی از موارد با یکدیگر همپوشی دارند هیچکدام را بر دیگری برتری نیست و همچنین هر یک حوزه عمل ویژه‌ای دارند که با دیگر حرفه‌ها مشترک یا متفاوت است ولی تخصص ویژه برای هر حرفه حائز اهمیت است به عنوان نمونه در حرفه مددکاری اجتماعی بر اهمیت محیط اجتماعی تاکید می‌شود این بدان معنا است که تمام مددکاران اجتماعی باید رابطه فرد با محیط را از نظر دور ندارند. روانپزشکان یا روان شناسان نیز ممکن است رویکردی جامعه گرا اتخاذ نمائید اما انتظار نداریم که تمام روانپزشکان یا روان شناسان در زمینه منابع و امکانات جامعه در سطح کلان آگاهی داشته باشند این حوزه خاص حرفه مددکاری اجتماعی است.

به همین ترتیب دارو درمانی « درمان با استفاده از دارو » حوزه خاص عملی روانپزشکی است البته آن دسته از مددکاران اجتماعی که بصورت گسترده با بیماران روانی کار می‌کنند ممکن است از طریق تمرین در دارو درمانی به تدریج مهارتی به دست اورند که در کار آنها لازم است. ولی به طور کلی انتظار نمی رود که مددکاران اجتماعی چنین مهارتی را کسب نمایند.

مددکاری اجتماعی حرفه‌ای منحصر به فرد

برای اینکه نشان داده شود مددکار اجتماعی چه اندازه با دیگر حرفه‌های خدمات انسانی تفاوت دارد ابتدا ضروری است خصوصیات ویژه و یگانه آن را مورد بررسی قرار دهیم.

ویژگی‌های برجسته

شناخت ویژگی‌های مددکاری اجتماعی به درک یگانه بودن آن کمک می‌کند.

مددکاری اجتماعی تمامی موقعیتهای دشوار را در بر می‌گیرد. ارزیابی مددکاری اجتماعی مستلزم آن است که مددکار مشکل را از دیدگاه روان شناختی، جامعه شناسی سیاسی و

اقتصادی مورد بررسی قرار دهد.

به همین خاطر لازم است مددکاران اجتماعی اطلاعات بسیار زیادی در کلیه علوم اجتماعی بدست آورند. از نظر مددکاران اجتماعی فرد یا گروه مشکل دار بخشی از یک سیستم اجتماعی وسیع است حمایت کننده اولیه مانند خانواده مراکز مذهبی، جامعه و همسایگان اجزای مهم این سیستم هستند.

غالبا، اجزای سیستم مانند مدارس یا مراکز اشتغال نیز می‌توانند بخشی از مشکل یا بخشی از راه حل به حساب آیند. لذا مددکاران اجتماعی باید دانش و آگاهی جامعی از منابع و امکانات موجود در جامعه داشته باشند و بدانند در موقع لزوم چگونه انها را بکار گیرند.

مددکاران اجتماعی تشخیص می‌دهند که بسیاری از مشکلات فردی مشکلات اجتماعی است. شناخت مشکل که فرد در حال تجربه کردن آن است مستلزم فهم ریشه مشکل در نهادهای اجتماعی است « امروزه برخی از دست اندرکاران به طرز زیرکانه‌ای از طرح مسائل اجتماعی طفره می‌روند و به جای طرح آن به طرح مسائل فردی می‌پردازند مثلا به جای تفکر و اندیشه بر پدیده اعتیاد، به فرد معتاد و درمان طبیبانه او بسنده می‌کنند به عبارتی برای مسائل اجتماعی نسخه‌های فردی می‌پیچند که در بهترین شرایط تلاش واقعی طبیب، سرانجام معتاد به مرحله پیش از اعتیاد بازگردانده می‌شود. یعنی همان شرایطی که قبلا وجود داشته است و موجب اعتیاد او گردیده است در نتیجه بازگشت او به اعتیاد امری بدیهی و طبیعی است درست مشابه دستی شکسته که متخصص مجرب آن را به وضعیت عادی بر می‌گرداند. اما جراح نمی تواند ادعا کند که اگر باز هم ضربه خورد نمی شکند » (آقا بخشی، زمستان ۷۹، ص ۳۵) اگر چه مددکاران اجتماعی در این مورد که آیا فرد باید تغییر یابد یا اجتماع، نظرهای متفاوتی دارند، اما هر دو دسته در این مورد که باید مشکلات فردی را با توجه به ساختار نهادهای اجتماعی مورد توجه قرار دهند اتفاق نظر دارند.

جامعه شناسان و مددکاران اجتماعی

جامعه شناسی اساساً رشته‌ای علمی است که به بررسی اجتماعی می‌پردازد و نظریه‌های آن سهم قابل توجهی در شکل گیری دانش پایه مددکاری اجتماعی داشته است. به طور خلاصه هدف اصلی و عمده جامعه شناسی توسعه و آزمایش نظریه‌های مربوط به پدیده‌های اجتماعی است، در حالی که هدف اولیه و اساسی مددکاری حل مشکلات انسان است. مددکاران سعی در شناخت و درک مددجو یا جامعه، ارزیابی مناسب و مداخله دارند با این هدف که به حل مشکل و تغییر مددجو کمک نمایند.

درجه دکترا بالاترین درجه تحصیلی برای مددکاری اجتماعی به شمار می‌رود.

اکثرا جامعه شناسان در دانشگاهها با مراکز تحقیقی به طرح نظریه‌های جدید یا آزمایش ان نظریه اشتغال دارند

در حالی که اکثر مددکاران معمولا در مراکز دولتی یا مراکز خصوصی و بهزیستی اشتغال به کار داشته و با مددجو سر کار دارند.

روانپزشکان و مددکاران اجتماعی

روانپزشکان و مددکاران اجتماعی در بیشتر مواقع معمولا در یک محل با یکدیگر کار می‌کنند. محل کار آنها موسسه‌های بهداشتی و درمانی نظیر بیمارستانهای روانی، بیمارستانهای عمومی و زندان است احتمالا بعضی از نقشهایی که آنان بر عهده دارند از جمله مشاوره، درمانگری، تسهیل کننده و یا مدیریت، تداخل در کار یکدیگر محسوب نمی شود. نکات زیر تفاوت بین روانپزشکی و مددکاری اجتماعی را مشخص می‌نماید.

روانپزشکی تمرکز در آسیب شناسی و درمان بیماری دارد، اما مددکاران اجتماعی بر توانایی‌ها و گسترش آن تاکید دارند. روانپزشکان خصوصا تمایل به شناخت پویایی‌های درونی فرد و گروه دارند، ولی مددکاران به ویژه به کار کردهای اجتماعی متأثر از عوامل اجتماعی و کنش‌های متقابل توجه می‌نمایند.

چنانچه روانپزشک و مددکار با یک بیمار مزمن روانی کار کنند معمولا روانپزشک مداوای طبی نموده بر نحوه انجام آن نظارت می‌کند، در حالی که مددکار به ایجاد منابع و امکانات مشخص مثل اسکان مناسب می‌پردازد.

مددکار و روانپزشک هر دو می‌توانند به درمان بپردازند ولی اگر درمان را مشترکا انجام دهند موثرتر خواهد بود. مددکار مسلما از انواع درمان با سوگیریهای اجتماعی استفاده می‌نماید. مشکل را به گونه‌ای متفاوت ارزیابی می‌کند و تمرکز بر مشکلات و تقویت ارتباط انسانی دارد. مددکار به تحلیل سهم محیط اجتماعی در بیماری روانی پرداخته و سعی در تشخیص چگونگی اصلاح ان برای حمایت از رفتار سالم دارد. از مددکار انتظار می‌رود آگاهی کامل و جامع از منابع و امکانات موجود در جامعه داشته و بتواند در مواقع لازم از امکانات مورد نیاز استفاده نماید.

روانپزشک بیشتر توجه به بیماران خاص دارد و در نتیجه با شبکه اجتماعی بزرگتری که مددجو به آن تعلق دارد آنقدرها مرتبط نیست. روانپزشک بیشتر به اختلال کارکرد سیستم عصبی توجه دارد. در حالی که مددکار اجتماعی متوجه رفتارهای مددجو است نقش روانپزشک بعنوان یک پزشک شفا دادن است، اما مددکار مجموعه‌ای است از تقویت کننده، فراهم آورنده منابع و امکانات، بررسی موارد مدیریت فردی و حمایت کننده

روان شناسان و مددکاران اجتماعی

روانشناسی بالینی شباهت زیادی به روانپزشکی دارد. روان شناسی بالینی به انجام وظایفی شبیه به وظایف روانپزشکان و مددکاران می‌پردازند. هر سه حرفه به نوعی به روان درمانی مشغول می‌شوند، اما هر کدام از آنها بر مسایل متفاوتی تاکید دارند.

روان شناسی بر خلاف روانپزشکی که به الگوهای طبی تاکید دارد به بررسی نظریه‌های روانشناختی رفتار انسان می‌پردازد. به طور کلی روان شناسان در آزمون‌های روانی تخصص دارند. از آنجا که حرفه روان شناسی اعتبار قابل توجهی برای سهم بالقوه آزمونهای روانی

قائل است، روان شناسان معمولا برای اجرا و تفسیر اینگونه آزمونها آموزش می‌بینند.

روان شناسان معمولا در نقش درمانگر ظاهر می‌شوند و نظر آنان نسبت به بیمار بیشتر به نظر روانپزشک نزدیک است تا به مددکار ولی بطور کلی روانپزشک، روان شناس و مددکار اجتماعی در فعالیتهای تیمی با توجه به توانایی‌های ویژه هر حرفه نقش اساسی و مهمی در رفع و یا حل مشکل بیمار یا مددجو دارند و همچنین بعضی از تفاوتهایی که بین مددکاران اجتماعی و روانپزشک ذکر آن رفت در رابطه با تفاوت روان شناسان و مددکاران اجتماعی نیز مصداق دارد.

مشاوران و مددکاران اجتماعی

مشاوران نیز وجوه مشترکی با روانشناسان، روانپزشکان و مددکاران اجتماعی دارند مشاوران به گروههای مختلفی تقسیم می‌شوند. از معروف ترین انان می‌توان از مشاوران ازدواج و خانواده، مشاوران شغلی، مشاوران تحصیلی و مشاوران توانبخشی نام برد.

مددکاران اجتماعی نیز در زمینه‌های فوق فعالیت دارند برای مثال مشاوره ازدواج و خانواده حرفه جداگانه‌ای نیست بلکه تخصصی است که بوسیله روانپزشکان، روان شناسان و مددکاران اجتماعی نیز دنبال می‌شود.

معمولا مددکاران و مشاوران مدرسه را با یکدیگر اشتباه می‌گیرند.

مشاوران مدرسه اکثرا دارای مدرک کارشناسی علوم تربیتی با تجربه‌ای در تدریس، یا مدرک کارشناسی ارشد مشاوره هستند. در مدارس دانش آموزان را تشویق می‌کنند در دو زمینه مهم برنامه ریزی تحصیلی و شغلی و حرفه‌ای از مشاور کمک بگیرند و بر عکس دانش آموزانی را به مددکار اجتماعی مدرسه ارجاع می‌دهند که رفتار آنان در کلاس درس یا در جامعه مشکل آفرین شناخته شده است. رابطه دانش آموز و مددکار گسترده و تغییرمدار است.

مشاوران توانبخشی معمولا دوره‌های آموزشی افزوده‌ای را در زمینه نیازهای خاص و

تواناییهای معلولین گذرانده اند. مشاوران و توانبخشی دوره‌های آموزشی خاصی را گذرانده اند که مددکاران اجتماعی موظف به گذراندن آن نبوده اند. اگر چه آموزشهایی در رابطه با اشتغال معلولین داشته و با چنین متخصصانی برای مشخص نمودن تواناییهای بالقوه تحصیلی و شغلی مددجویان همکاری می‌نمایند. در این نوع همکاری مددکار اجتماعی کمک می کند تا منابع و امکانات مورد نیاز در جهت تحقق توانائی‌های مددجویان فعال شود. به عنوان مثال مددکار با توجه به آموزشهای خاصی که در زمینه بازدید منزل دیده است موظف است با خانواده‌های مددجویان تماس بگیرد و آنها را کمک نماید تا منابع و امکانات مورد نیاز را به دست آورند و از امکانات موجود به نحو مطلوب بهره گیرند و یا خانواده موافقت کنند تا فرزندانشان بخت خود را در دنیای تحصیلی و شغلی خارج از محیط خانه بیازمایند.

مقایسه حرفه‌های خدمات انسانی

ویژگی های حرفه	مددکار اجتماعی	روانپزشک	روان شناس	مشاور
تاکید	تمامیت مشکل	کارکردهای درونی	سازگاریهای روانی	راهنماییهای شغلی و تحصیلی
تخصص ویژه	محیط اجتماعی توسعه منابع	شوک درمانی یا دارو درمانی	رفتار درمانی – آزمون درمانی	آزمون استعداد تحصیلی
چهار چوب مرجع	جامعه شناختی-روان شناختی-سیاسی-اقتصادی	الگوهای طبی	نظریه های روانی	روان شناسی تربیتی
مقررات	25 ایالت مجوز کار 27 ایالت مقررات حرفه	مجوز کار	مجوز کار	بدون مقررات
آموزش	کارشناسی – کارشناسی ارشد و دکترا	دکترای طب و دیدن تخصص	دکترای تخصصی	کارشناسی در رشته های مختلف
منبع درآمد	حدود 90 درصد حقوق بگیر دولت	عموما بخش خصوصی	هم بخش خصوصی و هم حقوق بگیر دولت	حقوق بگیر دولت
هدف حرفه ای	قادرسازی یا تقویت مددجو	درمان بیماریهای روانی	ایجاد سازگاری	خود حمایتی
نقش حرفه ای	یاریگر، مشاور – مدافع روابط، ارتباط دهنده با منابع	درمان کننده و شفا دهنده	درمانگر	راهنما و مشاور
نقش مددجو	**مددجو با قدرت و انتخاب محدود**	**بیمار-قدرت محدود**	**بیمار-قدرت محدود**	**مراجع –در طلب کمک**

از جامعه شناسان به این دلیل که درگیر مستقیم در عمل نیستند در این جدول یاد نشده است.

خلاصه

با عنایت به مطالب مذکور و بیان تفاوتها و تشابه‌های حرفه‌های خدمات انسانی ضروری است موارد ذیل مدنظر قرار گیرد.

*امروزه حل مسائل و مشکلات افراد، گروهها و جوامع در سایه فعالیت تیمی حرفه‌های یاری دهنده قابل تحقق است و ضروری است در انجام این مهم هر حرفه از تخصص

ویژه حرفه دیگر آگاهی داشته و از دخالت در آن حیطه پرهیز نماید.

*همانگونه که ذکر شد حرفه‌های خدمات انسانی در بعضی از موارد با هم، همپوشی داشته و مثلا فعالیت و مشاوره در زمینه ازدواج و خانواده مختص به یکی از حرفه‌های یاری دهنده که ذکر آن رفت نیست.

*مددکاران اجتماعی باید با توجه به جایگاه حرفه‌ای خود دقت نمایند صرفا به مسائل درمانی نپردازند تا این مسئله باعث شود نیازهای عملی و ضروری مددجویان که در حوزه خاص مددکاران اجتماعی است فراموش شود.

*ارائه مشاوره و راهنمائی به بیمار، مراجع و مددجو از جمله خدماتی است که در حرفه‌های خدمات انسانی با تاکید بر حوزه تخصصی هر حرفه به افراد که به روانپزشک، روان شناس، مشاور و مددکار اجتماعی مراجعه می‌کنند ارائه می‌شود.

*مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که رویکردی جامع و عملی را در جهت حل مشکل ارائه می‌دهد لذا مددکاران بایستی انعطاف پذیر بوده، مشتاق انجام وظایفی باشند که در درمان موفقیت آمیز گروه مددجویان بسیار مهم است.

علیرضا ایزدپور

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی وجامعه شناسی

مددکاری اجتماعی؛ آرزوی کودکی شغل بزرگسالی

"جواد طلسچی یکتا" در کسوت یک مددکار اجتماعی، ۱۲ سال است که در شهر ساحلی انزلی مشغول به فعالیت است. این کارشناس در گفتگو با خبرنگار همشهری اظهار می‌کند: مددکاری اجتماعی حرفه‌ای علمی و تخصصی است در راستای توانمندسازی افراد، گروه‌ها و جوامع فعالیت می‌کند.

وی در ادامه می‌گوید: از سال ۸۶ تا ۹۰ در دادگستری انزلی در ارتباط با پروژه کاهش طلاق، مشاوره مددکاری ارائه می‌کردم. مدتی هم مدیریت اورژانس اجتماعی انزلی را برعهده داشتم و همچنین روی پرونده‌های واگذار شده از سوی بهزیستی به کلینیکم با موضوعاتی چون زنان سرپرست خانوار و فرزندان امدادبگیر بهزیستی کار می‌کنم. طلسچی یادآور می‌شود: همه مراکز مددکاری اجتماعی با مجوز سازمان بهزیستی و زیر نظر آن فعالیت می‌کنند.

نگرش یک مددکار

وی در باره چگونگی علاقه به این حرفه می‌گوید: دایی من کارشناس مددکاری اجتماعی و فارغ التحصیل این رشته از آلمان بود. زمانی که او پس از ۳۰ سال به ایران بازگشت، نوع نگاهش به مسائل اجتماعی و خانوادگی مرا شیفته این حرفه کرد. انتخاب اولم برای ورود به دانشگاه همین رشته بود. حس همکاری و کمک به دیگران از نوجوانی در من وجود داشت اما زمانی که وارد این حرفه شدم با نگاهی علمی به این موضوع نگاه کردم. پیشنهادم برای داوطلبان ورود به رشته مددکاری اجتماعی این است که ابتدا اطلاعات کافی را در مورد آن کسب کنند و اگر علاقمندند، قدم در این راه بگذارند.

بعضی ممکن است گمان کنند، احساساتی هستند و تحمل دیدن درد و رنج دیگران و توان تصمیم گیری درست در این مسیر را ندارند اما باید بگویم روحیات به مرور شکل می‌گیرد و با افزایش دانش و کسب اطلاعات تخصصی و پایبندی به اصول کار، این مسأله برطرف می‌شود. این کارشناس مددکاری اجتماعی در ادامه تصریح می‌کند: البته به نظرم لازم است پیش از ورود به این رشته همانند بسیاری از کشورهای دنیا با داوطلبان مصاحبه‌ای انجام شود تا نوع تفکرات اجتماعی آنها سنجیده شود.

احساس خوشایند کمک به دیگران

بی تردید مددکاری اجتماعی، حرفه‌ای سرشار از خاطرات گونان است. طلسچی می‌گوید: یکی از تخصص‌های ما مشاوره در خصوص مصرف شیشه است. پس از ۳ سال فعالیت در این عرصه آنهایی که موفق به ترک مصرف شیشه شده اند هر چند وقت یک بار با من تماس می‌گیرند و از پاک ماندشان با خبرم می‌کنند و این یکی از شیرین ترین خاطرات حرفه‌ای من است. طلسچی یادآور می‌شود: یکی از مهم ترین دغدغه‌های مددکاران اجتماعی، بلای خانمانسوز اعتیاد است. با توجه به اینکه ۹۵ درصد موفقیت در ترک اعتیاد، وابسته به درمان اجتماعی آن است اما متأسفانه در مراکز ترک اعتیاد کمترین اثری از مددکاران

اجتماعی نیست. باید توجه داشته باشیم که اگر به درمان اجتماعی بهبودیافتگان بی اعتنا باشیم و تنها به دارو درمانی اکتفا کنیم، احتمال بازگشت آنها به اعتیاد بالاست .البته ضرورت استفاده از تخصص مددکاران اجتماعی در کلینیک‌های ترک اعتیاد در قوانین این مراکز لحاظ شده است اما استفاده از مددکاران اجتماعی در کلینیک‌های ترک اعتیاد، عموماً مشاهده نمی شود. طلسچی درباره مراجعان به مرکز می‌گوید: بسیاری از افرادی که به ما مراجعه می‌کنند نسبت به خدمات ما شناخت ندارند. معمولا به سبب مشکلات اقتصادی به کلینیک می‌آیند و گمان می‌کنند این مرکز در راستای موسسات خیریه فعالیت می‌کند. وی می‌افزاید: ادارات، سازمان‌ها و نهادهایی چون بهزیستی، انجمن مددکاران اجتماعی و همچنین رسانه‌ها می‌توانند در شناساندن این حرفه به مردم نقش موثری داشته باشند. مسلما این شناخت می‌تواند بر آسیب‌های نوپدید اجتماعی که کیان خانواده و جوامع را به خطر می‌اندازد تأثیرگذار باشد.

ترجمه و طراحی پوستر

پوستر روز جهانی مددکاری اجتماعی از سوی جواد طلسچی ترجمه شد و روی وب سایت فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی قرار گرفته است. طلسچی در این باره می‌گوید: اواخر ماه دسامبر ۲۰۱۴، فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی طی فراخوانی از سازمان‌های عضو در سراسر جهان خواست تا پوستر طراحی شده برای روز جهانی مددکاری اجتماعی را به زبان کشور خود ترجمه کنند.

وی در ادامه اظهار می‌کند: من تحت تأثیر شعارهای نوشته شده روی بنرهای پوستر قرار گرفتم که کاملا در مسیر فکری ما قرار داشت؛ بنابراین برای ترجمه اعلام آمادگی کردم. ترجمه و طراحی آنرا انجام دادم که پس از تأیید و اصلاح از سوی بخش بین الملل انجمن به صورت رسمی به فدراسیون ارسال شد و به عنوان دهمین زبان در سایت فدراسیون جای گرفت.

این مددکار اهل انزلی در پایان از تلاش‌های همکارانش و انجمن مددکاران اجتماعی به

منظور تبیین جایگاه حرفه مددکاری اجتماعی در جامعه تقدیر می‌کند و می‌گوید: اگر جایگاه مددکاری اجتماعی در جامعه شناسانده شود، دیگر شاهد حضور فارغ التحصیلان رشته‌های دیگر به جای آنها در ادارات و سازمان‌ها نخواهیم بود و مددکاری اجتماعی توسط مددکاران اجتماعی محقق می‌شود. کمک کردن به انسان‌ها در همه فرهنگ‌ها و کشورها کاری پسندیده است؛ اما با توجه به مشکلات زندگی فعلی و معضلات و بیماری‌های روحی، هر فردی بدون داشتن تخصص لازم نمی تواند این کار را انجام دهد. حتی کمک کردن به انسان‌ها هم به علم نیاز دارد و این کار از عهده هر کسی بر نمی آید.

روزنامه همشهری

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۳

رعایت شان و مقام مددجویان در گرو احترام به شان و منزلت مددکاران اجتماعی

یکی از شعارهای اصلی روز جهانی مددکاری اجتماعی امسال رعایت شأن و منزلت انسانها می‌باشد که از اصول اولیه مددکاری اجتماعی نیز می‌باشد. اینکه رعایت شأن و مقام انسانها به دلیل صرفا انسان بودنشان، سوای نوع گرفتاریها و مشکلاتشان، بر همه مددکاران اجتماعی واجب و لازم الاجرا می‌باشد. ولی اجرای عملی این مقوله نیاز به پیش زمینه هایی دارد که مهمترین آن رعایت شأن و مقام خود مددکاران اجتماعی است. متاسفانه در برخی از مراکز و سازمانها که حتی رسالت اصلیشان مددکاری اجتماعی می‌باشد گاهاً شرایطی بر مددکاران اجتماعی تحمیل می‌شود که متناسب با شأن و مقام مددکاران اجتماعی نبوده و مددکاران را در شرایط شغلی سختی قرار می‌دهد.عدم امنیت شغلی، پایین بودن مزایا و دریافتی ها، ارجاع امورات غیر مددکاری، عدم ارائه امکانات مناسب برای مصاحبه و... در حقیقت نوعی بی احترامی و عدم رعایت حقوق و شأن مددکاران اجتماعی می‌باشد. مددکار اجتماعی که خود

در محل کار خود از احترام منزلت لازم برخوردار نیست به چه شکل می‌تواند رعایت شأن و منزلت مددجویان را بجا بیاورد؟ مددکاراجتماعی که خود از آینده شغلی خویش مطمئن نبوده و خود در تنگنا قرار دارد با چه ساز و کارهایی می‌توان تضمین نمود که برای مددجویانش کارآفرینی نماید؟ هر چند در عمل بسیاری از مددکاران اجتماعی ثابت نموده اند که به رغم مشکلات موجود در انجام وظایف حرفه‌ای خویش کوتاهی نکرده اند، ولی باید این واقعیت را بپذیریم که مددکاری اجتماعی، حرفه‌ای سخت، تخصصی و مستلزم داشتن یک سری ملاحظات اجتماعی و شغلی است و قاعدتاً فردی که از منزلت مادی و معنوی کافی در محل کار خود برخوردار نباشد تضمینی وجود ندارد که بتواند به نحو احسن رعایت شأن و مقام مددجویان را بجای آورده و توانمندسازی نماید.

امین موحدی

مددکاراجتماعی -زمستان ۹۳

ضرورت حضور مددکاران اجتماعی در مدارس

پائولو فریره، یکی از صاحب‌نظران عدالت اجتماعی اعتقاد دارد که تنها راه رسیدن به عدالت اجتماعی، عدالت آموزشی است. یعنی امکان آموزشی برای همه اعضای جامعه به یک اندازه وجود داشته باشد.

آموزش بر دو گونه است: آموزش رسمی که در مدارس و دانشگاه‌ها به انجام می‌رسد و آموزش غیر رسمی که در خانواده و

گروه‌های اجتماعی دیگر در جریان است. همه انسان‌ها به صورت طبیعی از آموزش‌های غیر رسمی بهره‌مند هستند.

مادری که به فرزندش راه رفتن و غذا خوردن و آداب توالت رفتن را می‌آموزد، درحقیقت معلمی است که به صورت غیر رسمی در حال آموزش دادن است. پدری که به فرزندش شکار کردن می‌آموزد، شخم زدن می‌آموزد و یا طریقه حضور و زنده ماندن در جامعه را می‌آموزد همان نقش معلم غیر رسمی را ایفا می‌کند. نکته اینجاست که همین پدر و مادر هم اگر از آموزش‌های رسمی درست و مناسبی بهره نبرند نمی‌توانند در آموزش غیر رسمی موفق باشند. پس نقش آموزش‌های رسمی بسیار فراتر از آن چیزی است که در نگاه اول به چشم می‌آید.

آموزش رسمی بدون شک حق همه کودکان است. اما چرا بعضی از کودکان از این امر محروم می‌مانند؟ یکی از دلایل این محرومیت همچنان که به آن اشاره شد محرومیت والدین از آموزش رسمی و در نتیجه اهمیت ندادن به این امر است.

اما دلایل دیگر بسیار کلان و به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه مربوط است. کودکی که از تحصیل و آموزش رسمی محروم می‌شود چه موقعیتی را تجربه می‌کند؟ «کلووارد» و «اهلاین»، دو تن از صاحب‌نظران حوزه آسیب‌های اجتماعی نظریه‌ای دارند با عنوان: «فرصت افتراقی» که در این نظریه موضوع آسیب‌های اجتماعی به این صورت تبعیین می‌شود:

هر جامعه‌ای تعداد راه و روش برای مردمش تعریف می‌کند که مردم به واسطه این راه‌ها به اهداف مشروع و قابل قبول جامعه دست می‌یابند.

اگر این راه‌ها برای کسی بسته شود آن فرد در همان‌جا متوقف نمی‌شود، بلکه با دست یازیدن به اهداف غیر مشروع، خود و جامعه را دچار آسیب می‌کند. بر اساس این نظریه در حقیقت وقتی کودکی از تحصیل که مشروع ترین و قابل قبول‌ترین راه برای رسیدن به اهداف خود دست می‌کشد، در حقیقت راه‌های غیر مشروع و انحرافی برایش باز می‌شود و زمینه کج‌روی آماده می‌شود. پس ترک تحصیل یک کودک، فقط خارج شدن وی از چرخه رسمی آموزش جامعه نیست، بلکه زمینه‌ساز انحراف و کج روی است.

با این مقدمه روشن است که جامعه باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا هیچ کودکی از تحصیل محروم نشود، تا عدالت اجتماعی ایجاد شده و کج‌روی و آسیب‌های اجتماعی به حداقل برسد. یکی از بهترین راه‌ها برای جلوگیری از ترک تحصیل کودکان، حضور مددکار اجتماعی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور است.

مددکاران اجتماعی به عنوان منادیان و مدافعان سه مفهوم اساسی زندگی اجتماعی یعنی «آزادی»، «عدالت» و «دموکراسی» در پی آن هستند تا جوامع انسانی توانمند شده و به خودکفایی در تمام عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی دست یابند. حضور

مددکاران اجتماعی در آموزش و پرورش در حقیقت وجود نگرش و اندیشه عدالت اجتماعی، آزادی و دموکراسی در نظام کشور است.

مددکاران اجتماعی با نگرش جامع به فرد، گروه و جامعه می‌توانند با ایجاد ارتباط موثر بین نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش زمینه‌های تعامل بین این دو نهاد موثر اجتماعی را فراهم کرده و خلاهای موجود را شناخته و در پر کردن آنها بکوشد.

حضور یک مددکار اجتماعی در مدرسه این امکان را به کودک می‌دهد که اگر دچار مشکلات فردی است و یا اگر دچار مشکلات گروهی (خانواده، همسالان و مدرسه) است، یا دچار مشکلات اجتماعی (نهادهای پنج‌گانه آموزش، خانواده، سیاست، فرهنگ و اقتصاد) است با یک متخصص گفتگو کند. همه‌جانبه‌نگری مددکاران اجتماعی و اهمیت فرد، گروه و جامعه برای او، این امکان را به مددکار اجتماعی می‌دهد که به عنوان حلقه رابطی بین کودک، گروه و جامعه به ایفای نقش بپردازد و با درک عمیق و گسترده شرایط کودک و موقعیتش در جامعه، نقشی اساسی را در نگهداشتن کودک در نظام آموزشی رسمی و یا بازگرداندنش به این نظام ایفا کند.

به نظر می‌رسد حضور یک مددکار در هر مدرسه، هزینه چندانی برای نظام آموزشی نخواهد داشت اما قطعا می‌تواند مانع هزینه‌های بسیار زیادی برای جامعه شود. همچنین به نظر می‌رسد برای حضور یک مددکار در هر مدرسه قبل از برآورد بودجه باید نگرش مسئولین به کودکان، آموزش رسمی، ترک تحصیل، آسیب‌های اجتماعی و در نهایت اعتقاد به توانایی مددکار تغییر کند.

رضا ببری

مددکاری اجتماعی

منبع: وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی مهرآذر

در جستجوی حقوق انسانی؛ از مادرترزا تا مادر مددکاری اجتماعی ایران

چه بخواهیم و چه نخواهیم حرفه مددکاری اجتماعی پیوند عمیق و غیرقابل گسستنی با امـور خیریه دارد و شاید همین مسأله باعث شده است که در جامعه ما مردم به محـض اینکـه واژه «مددکاری» را می‌شنوند به یاد کمک خیریه می‌افتند.

فعالیت خیریه‌ای که پشت آن هدفی نهاده بوده است و اگر توجه کنید گروه هدف اصلی این کمک‌های خیریه، افرادی نیازمند و بی بضاعت بوده اند. افرادی که حتی از ابتدایی ترین حقوق انسانی نیز برخوردار نبوده اند.

بدون شک یکی از مظاهر بلامنازع فعالیت خیرخواهانه در جهان مادر ترزا است.

گرچه او را نمی توان به عنوان یک مددکار اجتماعی حرفه‌ای به حساب آورد [چـرا کـه تحصیلات آکادمیک مددکاری اجتماعی را سپری نکرده بـود] امـا بـدون شـک او از هـیچ مددکار اجتماعی، کمتر مددکار نیست.

" اگنس گونجا بویاجیو " با کمک به فقرا و کودکان در معرض آسـیب یـک چیـز را دنبال می‌کرد و آن حقوق انسانی بود که این افراد از آن برخوردار نبودند.

درباره او نقل شده است که کلبه کوچکی را در منطقه فقیرنشین "موتی جهیل کلکته برای زندگی پیدا کرد. در آن محله ی محروم و با دیدن بچه‌های ولگرد و تهیدست بـه ایـن فکـر افتاد که برای آنها مدرسه‌ای برپا کند. او می‌دانست که خواندن و نوشتن، کلید زندگی بهتـر برای آنها به شمار می‌رود. در عین حال، این کار فرصتی بـه او مـی‌داد کـه اصـول ابتـدایی بهداشت را به آنها بیاموزد. از این رو زمین متروکی را پیدا کـرد و از کسـی خواسـت کـه علف‌های آن را بزند و سرگرم کار شد! نه میزی بود و نه صندلی و نه تختـه ی سـیاه! تنهـا شماری کودک مشتاق و آموزگاری مشتاق‌تر که با چوبی بر روی شن‌هـا الفبـا را بـه آنهـا می‌آموخت [۱].

در حقیقت باید بگویم که حلقه اشتراک فعالیت‌هـای خیرخواهانـه بـا حرفـه مـددکاری اجتماعی، در جستجو برای حقوق انسانی نهفته است. چیزی که هم مـادر تـرزا و هـم سـتّاره فرمانفرماییان در پی آن بودند.

این روحیه در فعالیت‌های ستّاره فرمانفرمایان نیز هویداست. روحیه‌ای که سبب می‌شـود او فعالیت‌های مادر ترزا را این باردر لباس دیگری و با برنـد مـددکاری اجتمـاعی بـه مردمـان سرزمین دیگری ارائه کند.

مادر مددکاری اجتماعی ایران در حالی که خود از طبقه دارای جایگـاه و منزلـت بـالای سیاسی-اجتماعی جامعه دورانش به حساب می‌آمد اما عمده فعالیت‌های خود را صرف خدمت به گروه‌های آسیب پذیر می‌کند.

او برای اولین بار در ایران برنامه تنظیم خانواده را نیز به راه انداخت و بـه دنبـال ارتقـای آموزش زنان و جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته و زاد و ولدهای بی‌رویه در ایران بـود. از دیگر اقدامات ماندگار او تاسیس «مراکز رفاه» در محله‌های فقیرنشین تهران و حاشیه تهـران بود که به کودکان و خانواده‌ها کمک می‌کردند[۲]. در حقیقت سـنگ بنـای فعالیـت‌هـای بنیانگذار مددکاری اجتماعی در ایران نیز همچون مادر ترازا و مادرترزاهـای دیگـر بـرآورده کردن نیازها و حقوق انسانی افراد بود.

آنچه که اکنون با عنوان شعار روز مددکاری اجتماعی در جهان ملاحظه می‌کنیم یعنی تلاش برای دست یابی افراد به حقوق انسانی شان، در همه فعالیت‌های مددکاری اجتماعی جاری و ساری است. به فراخور شرایط زمانی و مکانی، مددکاران اجتماعی در پی احقاق حقوق انسانی افراد و مراجعان خود هستند.

حقوق انسانی گاه می‌تواند در حد تأمین خوراک و سرپناه افراد باشد و گاه می‌تواند در قالب آزادی بیان و مشارکت افراد در جامعه مطرح باشد.

پی نوشت :

زندگینامه مادر ترزا

کتاب دختری از ایران(زندگی نامه ستّاره فرمانفرماییان)

امیر مغنی باشی

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

مددکاران اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها

سال به پایان میرسد... برفی که نیست...

بارانی که گاهی صدایمان زد,, سرمایی که اگر لباس گرم نپوشیم حرمتش را به جوانه‌های در راه مانده بهار فروخته ایم,, من و تو نیز روزی به پایان میرسیم,, اما همیشه نمیتوان صداها را شنید و بی تفاوت بود,, چه نشسته‌ای که همیشه نمیتوان ایستاد..

در را به روی بهار به روی روح گمشده ات بگشا اگر چه تا کنون به هیچ صبحی سلام نکرده باشی,, در را به روی مهربانان بگشا,, به روی صبحی که از خواب برمیخیزی به جهان درونت سلامی بلند تقدیم کن..

وقتی پیر زن آخرین در کوچه,, با زنبیل قدیمی اش سبزی به دست ارام ارام قدم میزند بهار را خواهی دید,, وقتی آن زن با کودک چرک الود و سیاهش دستمال به تو تعارف میکند تا بخری,, بهار را خواهی دید,, پسرک روزنامه فروش را یادم رفت,, بهار او رنگین تر از ژنده پوشی است که دیشب درکارتن یخچال خوابید.

بهاررابیین ودوست بدار..

این را می‌دانم که خوب میدانی بهاری که گفتم بهاری که نوشتم تکراری است اما نه برای من نه برای تو که با چشمانی یکرنگ به دنیا و فصلهایش مینگری..

****

مشاغل تخصصی و حرفه‌ای هرکدام مختصات و طبیعت خاص دارند که با شناخت آنها میتوان تفاوتها و وجوه مشترک و تمایز هر کدام را استنباط کرد,, یک معلم بیشتر از یک مهندس معدن حوصله کار با کودکان و نوجوانان را در انتقال معلومات و مطالب درسی دارد,, یک پرستار بایستی تحمل بیشتری از یک متخصص فیزیک در شنیدن آلام و ناله بیماران داشته باشد,, اینست که در انتخاب افراد و برای کسب آموزشهای حرفه‌ای و تخصصی علاوه بر شرایط عمومی و دانش لازم بر تواناییهای روانی و عاطفی و شاید هم بتوان گفت استعداد و کشش آنان توجه وتاکید نمود..

مددکاری اجتماعی ارزشها و الزام و بکن و مکن هایی دارد که هر مددکاری به نحو مستمر و جدی باید در رعایت آن تلاش کافی بعمل آورد,, و اگر چنین ارزشهایی در وجود مددکار اجتماعی شکل نگیرد,, سازمان پیدا نکند و نهادی نشود احتمالا در توفیق حرفه‌ای وی شک و تردید زیادی وجود خواهد داشت..

یکی از اصول اخلاقی مددکاری احترام گذاشتن به افراد و قبول شأن و مقام انسانی آنهاست..

در مددکاری مقام انسانی فرد دارای مسئله حکم میکند که مددکار اجتماعی طرز تلقی انسان دوستانه را داشته باشد,, این دیدگاه و اصل مهم از نظر مددکار تفاوتی بین افراد قائل نخواهد شد..

یک مددکار انسان بودن را یک حق مستمر و لاتغییر و زوال ناپذیر میداند.

اگر انسانی با مشکلات و دشواریهایی روبروست حتی اگر این مشکلات از دید عامه مردم مردود و زشت به حساب بیاید ولی نگاه متفاوت یک مددکار و پذیرش شأن و مقام انسانی و احترام به این اصل,, ورای نگاه سایرین است..

درنگاه یک مددکار اجتماعی,, فردی که مرتکب جنایت شده و قانون او را به مرگ محکوم کرده است طرد نمیشود,,, یا حتی فردی که خود فروشی میکند,,, یا دست به دزدی میزند,, اگرچه هیچگاه عمل او را قبول نمیکند,, ولی تصورش بر اینست که انسانی مبتلا به نابسامانیها و کجرفتاریهایی شده است اگرچه خاطی و جانی و دزد و,,, است ولی انسان است و این انسان بودن جایگاه و مقام خود را دارد..

و او انسانی است که خواه ناخواه با انسانهای دیگری مربوط و پیوسته میشود و نادیده گرفتن مقام انسانی او به دیگران نیز آسیب میرساند..

مریم بابابیان

مددکار اجتماعی

بیانیهء حین اجرای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران

کارگروه تخصصی اجرای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایرانیان؛ با استناد به اهداف والای حرفه مددکاری اجتماعی، وابستگی این حرکت رسانه‌ای را به هر فرقه، گروه و احزاب سیاسی اعم از قانونی و غیر قانونی به طور کامل نفی کرده و برنامه ها و دستاوردهای خود را به حول و قوه الهی تنها در راستای اعتلای اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، خدمت به آحاد جامعه و در جهت ارتقا و تثبیت جایگاه حرفه‌ای مددکاران اجتماعی ایران معرفی و اعلام می‌دارد.

مروری مجدد بر اهداف کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایرانیان

کارزار رسانه‌ای به مناسبت روز جهانی مددکاری اجتماعی، در حقیقت یک حرکت جمعی است که به همت مدیران وب سایتهای مددکاری اجتماعی از طریق انتشار مشترک مقالات و مطالب کاربران، صاحبنظران و عموم مددکاران اجتماعی با اهداف ذیل می‌باشد :

-*** به چالش کشیدن افکار، نگرشها و نظرات مددکاران اجتماعی در ارتباط با

شاخصهای اعلام شده از سوی فدراسیون جهانی مددکاری اجتماعی

–*** بایدها و نبایدهای موجود و ضروری برای گرامیداشت یادبودها و مناسبتهای حرفه مددکاری اجتماعی و نحوه مشارکت آنها در موارد مذکور.

–*** تحلیل مسائل و نحوه تعامل با نهادها و سازمانهای بین المللی جهانی حرفه مددکاری اجتماعی از طریق بارش افکار و تقویت رویکرد همگرایی با جامعه جهانی مددکاری اجتماعی.

*** تبادل علم و ارائه راهکارهای عملی و راهبردی برای برگزاری کنفرانسها و کنگره‌های مشترک با اصحاب و اساتید موفق و صاحبنظر در عرصه‌های مختلف جهانی.

*** افزایش اختیارات مددکاران کشورمان از طریق الگو گیری از سبک کار و چگونگی توسعه آن در جوامع مددکاران موفق

*** به تحرک در آوردن صاحبنظران و مددکاران اجتماعی در مشارکت هرچه بیشتر در مناسبتها و عرصه‌های مختلف علمی و کاربردی و بهره مندی متقابل از نظرات و افکار

*** و نهایتا تحکیم مناسبت ماه و روز جهانی مددکاری اجتماعی در جامعه مددکاران اجتماعی کشورمان و برگزاری مناسبتها و برنامه‌ها در بزرگداشت این ماه و روز

کار گروه تخصصی مجری کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایرانیان

حمایت از حقوق بشر برای همگان، و خوب است بدانیم مددکار اجتماعی، یکی از همگان است!

...‘‘فرسودگی شغلی”، “مشاغل سخت”، “سیاستگذاری”، “رفاه اجتماعی”، “گرایش ’’

حتما افرادی که در حرفه‌های توانبخشی به ویژه مددکاری اجتماعی درحال تحصیل و اشتغال هستند، با کلیدواژه‌های فوق آشنایی زیادی دارند. کلیدواژه هایی که شاید بیشتر از آن که کلید باشند، قفل هایی هستند بر درهایی به ظاهر بسته تا ابد! کلیدهایی که شاید به گمان عده‌ای مناسب بازکردن درهایی درمیان ابرها باشند. اما آیا واقعا این رشته تحصیلی از روز اول درکنار این کلیدواژه ها، اینقدر بعید و آرمانی می‌نموده است؟ پاسخ به این سوال شاید نزد کسی نباشد جز ستاره فرمانفرماییان! اولین کسی که با تحمل تمامی مصائب و دشواری ها، توانست حرفه مددکاری اجتماعی را (که در کتاب “دختری از ایران” به خوبی این مصائب را به تصویر کشانده است) در ایران راه اندازی نموده و به تربیت اولین مددکاران پرداخت. از زمان این کار او تا کنون، بیش از پنجاه سال می‌گذرد اما چه می‌شود که این کلیدها، در زمان انسانی که چندین دهه پیش از ما زندگی می‌کرده و از بسیاری کمبودها بیشتر از ما رنج می‌برده است، امری بعید و دور از دسترس نبوده و می‌توانسته بازگشاینده

بسیاری از درها باشد؟ چگونه می‌شود که بعد از گذشت این همه سال، حال شاهد تفاوتی ۶۰ساله با جهان در این رشته باشیم؟ آیا این فاصله صرفا به خاطر نوپاتر بودن حرفه مددکاری اجتماعی در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر است؟ خانم فرمانفرماییان در بخش هایی از کتاب خود بیان می‌کند :

"ما منتظر می‌مانیم تا کسی برای کمک کردن پیدا شود.به یاد مشدی می‌افتادم که زیاد کار می‌کرد و به خاطر شازده و مادرم هر چه در توان داشت انجام می‌داد ولی هیچ گاه به فکر او و همکارانش نرسید تا تشکیلاتی برای خود درست کنند و با کمک یکدیگر به مشکلاتشان سروسامان بدهند.

با خود فکر می‌کردم اگر قدرت ابراز صریح مشکلات و نظرات خود را داشته باشیم موفق می‌شویم. ما مددکاران هم مثل مشدی زحمت می‌کشیم اما چقدر در این زحمت هایی که می‌کشیم حقی برایمان درنظر گرفته می‌شود؟ و چقدر خودمان می‌خواهیم که این حق در نظر گرفته شود؟ آیا ما قرار است در راه رضای خدا کار کنیم؟ اگر این است که بنده همینجا باصراحت می‌گویم همه شغل‌ها در راه رضای خداوند هستند چرا که گفتند اول حق الناس است که حق خدا را می‌دهد و او را خشنود می‌کند. اما آیا جوانی که هنگام انتخاب رشته، این حرفه را درنظر می‌گیرد صرفا به خاطر رضای خداست؟ یا درکنار آن بازار کار را هم می‌بیند؟ که متاسفانه "خوب" هم می‌بیند. یعنی او با درنظر گرفتن نیازهای جامعه و تعداد اندک فارغ التحصیلان این رشته با خودش می‌گود حتما "نیاز" جامعه، او را به خود جذب خواهد کرد اما سوال اینجاست که آیا متناسب با چشم انداز کسانی که وارد این رشته می‌شوند، این جذب صورت گرفته است؟

درحالیکه خبرگزاری فارس به نقل از رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران (حسن موسوی چلک) عنوان می‌کند: در حال حاضر تنها ۸ هزار مددکار اجتماعی درکشور فعال هستند و باید با برنامه ریزی صحیح بتوانیم این آمار را به ۴۰ هزار مددکار اجتماعی در دستگاه‌ها برسانیم. شاهد کمبود بیش از ۳۰ هزار نیروی مددکار اجتماعی در سازمان‌ها هستیم. البته باید

واقعا نیروی مددکار به جامعه برسانیم که در این راستا نیز کمبودهایی داریم. نظیر کمبود استادهای خبره و باتجربه، کمبود منابع مورد نیاز به روز شده در فیلدهای تخصصی و هم چنین دانشگاه هایی که بتوانند نیروی حرفه‌ای تربیت کنند.

به راستی حقیقت نهفته در این ماجرا کجاست که جای خالی مددکاران در پست‌های سازمانی-رفاهی روز به روز بیشتر احساس شده اما تعداد آن‌ها روز به روز متناسب با نیاز افزوده نمی شود و گاهی حتی افراد با رشته‌های غیرمرتبط، جایگاه آن‌ها را اشغال می‌کنند؟

مشکل این است که دستگاه‌های استخدام کننده شناخت کافی از این رشته را ندارند و شاهد احراز پست‌های سازمانی مددکاران به وسیله رشته‌های مشاوره، روان‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی هستیم که بنظر می‌رسد باید دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده در انتشار آگهی‌های استخدامی به این موضوع توجه کنند.

اما مسئولیت ارائه این توجه را چه کس یا کسانی برعهده دارند؟

آیا تقسیم وظایفی در حوزه فعالیت‌های مددکاران اجتماعی در ایران وجود دارد؟ یعنی آیا از اول تکلیف یک مددکار اجتماعی با کارش مشخص است؟ او می‌داند که قرار است مددکار یک کودک باشد؟ مددکار یک خانواده باشد؟ یا با یک معتاد کار کند؟ این وظایف را، این کلاف سردرگم را آیا از ابتدا برای او شکافته ایم؟ در حالیکه در دنیا امروزه شاهد گرایش‌های مختلف مددکاری در حوزه‌های انسانی و حیوانی هستیم، تفکیک‌های اندکی در گرایش‌های مددکاری اجتماعی در ایران وجود داشته و یا اینکه اصلا وجود ندارد.

و در میان این مشکلات، هیچ مرجعی برای بازتاب فرسودگی‌های مددکار اجتماعی در ایران وجود ندارد. در اینجا اشاره به مراجع قانونی نیست. بلکه جای خالی سرپرستی در حرفه مددکاری اجتماعی آنگونه که درحال حاضر در سایر کشورهای جهان به آن پرداخته می‌شود مدنظر است تا یک مددکار بتواند فرسودگی‌ها و سوال‌ها ومسائل خود را با آسایش بیشتری مرتفع کند. آن هم در جایگاه کنونی و این سوال که آیا در ایران، مددکار اجتماعی را بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه، مورد ارزیابی‌های متناسب با حرفه قرار می‌دهیم؟

و بعد از رسیدگی به مسئله مرجع علمی-حمایتی؛ به جای خالی مرجع حقوقی و جایگاه قانونی مددکاران اجتماعی در ایران می‌رسیم که اگر یک مددکار در یکی از بازدیدهایش مورد خشونت و یا هر حادثه دیگری قرار بگیرد، چه کسی مسئول این حادثه خواهد بود؟ آیا به میزان و تناسب فیلدهای پرخطر، پروتکل‌های اقدام نیز توسط مسئولین و مراجع ذی ربط تهیه و تصویب شده است؟ البته یکی از اقدامات در این راستا ارائه طرح سازمان نظام مددکاری اجتماعی ایران در مجلس شورای اسلامی است که طرح آن قبلا توسط انجمن مددکاران اجتماعی ارائه شد و در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس نرسید.

چندی پیش در آمریکا رشته مددکاری اجتماعی با گرایش دامپزشکی تاسیس شد که به تعامل انسان و حیوانات خانگی می‌پردازد و این در حالیست که در ایران هنوز گرایش‌های عمده ی انسانی مددکاری اجتماعی، به طور کامل تعریف و تدریس نمی شوند. که البته ممکن است این ایراد وارد شود که این مقایسه، مقایسه درستی نباشد. اما کافیست درنظر داشته باشیم فارغ از جغرافیا، هر جامعه‌ای متناسب با نیازهای خاص خودش قدم بر می‌دارد و در ایران نیز گرایش‌ها و مشخص کردن حوزه‌های تخصصی به صورت حرفه‌ای و مجزا، نیاز عمده‌ای به حساب می‌آید.

در نهایت می‌توان گفت با توجه به علاقه بسیاری از مددکاران اجتماعی در فیلدهای حرفه‌ای خود به این حرفه مقدس و کارگشا و موردنیاز و تمام کم کاری‌ها در تمام زمینه‌های یاد شده، آیا نهایتا چیزی جز این است که یک مددکار اجتماعی مدام در دلش احساس تکلیف کند و در واقعیت به سختی بتواند به آن تکلیف عمل کند؟ و این امر آیا به خستگی و به اصطلاح فرسودگی شغلی او دامن نخواهد زد؟ و این دامن زدن آیا از توان او برای کمک به جامعه هدفش (که بسیاری از اقشار نیازمند و مورد حمایت جامعه بصورت‌های مستقیم و غیرمستقیم هستند) نخواهد کاست؟

صابره صادقی

مددکار اجتماعی

باز نشر مقاله روز جهانی مددکاری اجتماعی سال گذشته

این روزها به یک مناسبت مهم جهانی برای مددکاران اجتماعی نزدیک می‌شویم. ۲۷ اسفند امسال مصادف خواهد بود با ۱۸ مارس ۲۰۱۴، روز جهانی مددکاری اجتماعی که به رسم هر سال، در سومین سه شنبه ماه مارس برگزار می‌شود. به لحاظ تاریخی، این مناسبت ابتدا در سال ۱۹۹۶ در فدراسیون مددکاری اجتماعی اروپا با شعار مددکاری اجتماعی و محرومیت اجتماعی آغاز شد. در سال بعد، توافق شد تا این روز، در دومین سه شنبه نوامبر هر سال گرامی داشته شود. پس از آن هر ساله با محوریت مسئله‌های مختلف اجتماعی که مددکاران اجتماعی با آنها مواجه اند همچون: قاچاق انسان و خشونت، معلولیت و حقوق بشر، حقوق کودک، مهاجرین و امثالهم، مددکاران اجتماعی سراسر جهان را به توجهی دوباره به مسئولیتهایشان دعوت می‌کردند. از سال ۲۰۰۶ این تاریخ به مارچ تغییر یافت و در سال ۲۰۰۷ به روز جهانی مددکاران اجتماعی تغییر یافت و اولین گرامی داشت آن با شعار" ایجاد جهانی از تفاوتها" برگزار شد. از آن سال به این سو، سومین سه شنبه مارچ هر سال، مددکاران اجتماعی سراسر جهان با پیامهای جداگانه‌ای از سوی سه مرجع اصلی مددکاری اجتماعی دنیا یعنی فدراسیون مددکاران اجتماعی، شورای آموزش مددکاری اجتماعی و انجمن بین المللی مدارس مددکاری اجتماعی روز مددکاری اجتماعی را جشن

می‌گیرند. البته وقایعی از این دست که بیشتر با هدف معرفی حرفه و ظرفیتهای آن است پیش از این نیز سابقه داشته است. دستکم اینکه، مراجع سه گانه مذکور سالهاست که در مقام مشورتی سازمان ملل متحد قرار گرفته اند و هر ساله معمولا در اوایل ماه آوریل، یک روز به مددکاران اجتماعی اختصاص داده می‌شود و مراسم مفصلی در این روز به افتخار مددکاران اجتماعی برگزار می‌شود.

انجمنهای مددکاری اجتماعی بسیاری از کشورها، همان روزجهانی را روز ملی مددکاری اجتماعی نیز اعلام کرده اند و سمپوزیومهای متنوعی برگزار می‌کنند؛ مهمترین مباحث نظری حرفه و نیز سیاستهای کلی مددکاری اجتماعی و موانع و نقاط قوت حوزه رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و توانمندسازی اجتماعی را به بحث و تبادل نظر می‌گذارند.

این اتفاقی است که امسال نیز قرار است رخ دهد. در پوستری که برای این روز در سال جاری تدوین شده، شعار "راه حلهای مددکاری اجتماعی برای بحرانهای اجتماعی و اقتصادی" انتخاب شده و هدف از مداخلات مددکاران اجتماعی سراسر جهان نیز ارتقاء برابری و عدالت، توانمندکردن افراد برای یک زندگی پایدار، جلب مشارکت همگانی در راه اصلاح امور جامعه، تسهیل ایجاد جامعه‌های مراقبت کننده و احترام به تنوعات و مرتبط شدن مردم برشمرده است.

تقریبا همه شعارهای انتخابی برای این روز بر دو بال اصلی این حرفه یعنی عدالت و حقوق بشر تکیه داشته اند. شعار امسال با تأکید بر اینکه در حال حاضر به طور متوسط هر روز ۲۵۰۰۰ نفر در سراسر جهان از فقر یا در اثر عوامل مرتبط با فقر از بین می‌روند انتخاب شده است و از مددکاران حرفه‌ای دعوت شده است تا به منظور کمک به تحقق آرمانهای عدالت محورانه در همه حوزه‌ها ازجمله عدالت اقتصادی و اجتماعی در سیاستگذاری‌های کلان ملی و بین المللی ورود کنند. همانطور که گری بیلی رئیس فدراسیون در پیامش گفت ما می‌توانیم و باید در صحنه‌های اقتصادی و سیاسی نقش آفرینی موثر داشته باشیم. با توجه به بحرانهای سیاسی و اقتصادی که در سالهای گذشته میلادی بر کشورهای مختلف جهان سایه

افکنده از مددکاران خواسته شده تا تبعات غیرقابل تحمل این بحرانها را برای عموم مردم جهان روشن کنند و افکار عمومی را به این سو بکشانند که برای ارتقاء رفاه اجتماعی برای همه مردم باید تلاش کرد. آنگونه که انجمن ملی مددکاران اجتماعی آمریکا به عنوان بزرگترین انجمن ملی حرفه‌ای این حوزه بیان کرده {همه مردم مهم اند}

مددکاران اجتماعی ایران نیز اگرچه ارتباطات بین المللی اندکی دارند اما امسال به یکی از بحرانهای مهم مخصوص کشور ما پرداخته اند و به صورت نمادین، کمپینی را برای جلب توجه همه مردم به موضوع تلفات و تبعات حوادث رانندگی اختصاص داده اند. مددکاری اجتماعی بین المللی امروزه یکی از حیطه‌های مهم این حرفه است که به طور ویژه به امر مهاجرین، قاچاق انسان، بحرانهای جهانی، تروریسم و سایر موضوعات فرامرزی می‌پردازد اما گرامیداشت روزهای جهانی به معنای آن نیست که مسائل اجتماعی مان را در مسائل اجتماعی جهان خلاصه کنیم. بلکه نشان دادن وحدت بین متخصصین این حرفه، حرف مشترک متخصصین علوم انسانی و همراستایی و همداستانی همه کسانی است که به افراد به مثابه انسان با حرمت و ارج انسانی اش می‌نگرند، فارغ از قومیت، ملیت، جنسیت یا هر ملاک جداکننده دیگر.

ویملا نادکارنی رئیس هندی انجمن مدارس مددکاری اجتماعی در پیام امسال خود ذکر کرد ما برای تحقق شعار امسال نیاز به توجه جدی به دو موضوع مهم داریم:

اول تقویت حوزه آموزش مددکاران اجتماعی جهان و دوم توانمند کردن مردم سراسر دنیا با احترام به همه تفاوتهایشان. بحثهایی که این روزها در خصوص کیفیت آموزش در این حرفه مطرح می‌شود نشان از این دارد که مددکاران ایرانی، به این دو موضوع توجه کامل دارند و دغدغه لازم برای بهبود محتوا و سرفصلهای آموزشی، چه آموزش دانشگاهی و چه آموزشهای ضمن خدمت دارند. دغدغه‌ای که قطعا با بحث و فحص مستمر می‌تواند راه به سرمنزلهای امیدوار کننده‌ای بگشاید. امید است که این دغدغه بجا و واکنشهای منطقی به چالشها در همه بخشهای اجتماعی به وجود آید تا دخالت مددکاران اجتماعی و سایر افراد

حرفه‌ای در حوزه رفاه و خدمات اجتماعی را در امور پهن دامنه و سیاستگذاری‌ها در جهت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی شاهد باشیم.

عباسعلی یزدانی

مددکار اجتماعی

احترام گذاشتن و قبول مقام انسانی: در مددکاری اجتماعی

بر اساس این اصل انسانها در هر زمان و هر مکان، سواد و رنگ، نژاد، ملیت و حتی کیش و آئین و مرام و طرز تفکر اجتماعی و سیاسی به صرف انسان بودن مورد قبول و احترام و پذیرش واقع می‌شوند و مددکاران اجتماعی عاری از نظرگاههای طبقاتی، مرزهای جغرافیایی و هر نوع زاویه دید خاصی با انسان‌ها مواجهه می‌شوند و می‌توان گفت که وجود انسان خود به خود و بطور مجرد معنی دار و موجب حرمت است.

این اصل از مددکاراجتماعی انتظار دارد که انسان بودن را یک حق مستمر و لا یتغییر و زوال ناپذیر بداند و بنابراین اگر انسانی با مشکلات و دشواریهایی روبرو است، حتی اگر این مشکلات از دید عامه مردم مردود و زشت به حساب می‌آید ولی از آنجا که انسانی این معظلات نامطلوب و ناپسند را دارد مقام انسانی فرد دارای مساله حکم می‌کند که مددکار اجتماعی طرز تلقی انسان دوستانه را داشته باشد و نباید فردی را که مرتکب جنایت هم شده است و قانون او را به مرگ محکوم کرده است طرد نماید و همواره بر این پندار باشد که او

انسانی است که اگر چه معدوم خواهد شد و حتی نابودی او را نیز سزاوار و شایسته بداند باز هم انسانی که تا گام مرگ لازم است مقام او و احترام به مقام او حفظ شود. به این ترتیب گمان میرود که مددکار اجتماعی فردی را که خودفروشی می‌کند و یا به اشاعه مواد مخدر می‌پردازد و دست به دزدی و قتل می‌زند اگر چه هیچگاه عمل او را قبول نمی کند و حتی با برقراری رابطه علت و معلول در بروز مشکلات او را منزه نمی داند ولی تصورش بر این است که انسانی مبتلا به نابسامانیها، نژندیها و کجرفتاریهائی شده است که اگر چه دزد یا جانی و خاطی است ولی انسان است و این انسان بودن جایگاه و مقام خود را دارد و او انسانی است که خواه ناخواه با انسانهای دیگری مربوط و پیوسته میشود و نادیده گرفتن مقام انسانی او به مقام انسانی دیگران آسیب و صدمه می‌رساند و میتوان معیارها و ارزش‌ها و مقررات و هنجارهای اجتماعی او را ناباب و منحرف ومنحط ارزیابی می‌کند از دیدگاه انسان دوستانه مددکار اجتماعی باز هم انسانی است دردمند، مبتلا، گرفتار و درمانده که کار مجازات او جای خود را دارد و انسان بودن او همچنان مطرح و در خورتعمق است و مزید بر اینها انسانهای دیگری که در خیط و خطای او ممکن است نقشی نداشته باشند.

جوهرقلی

مددکار اجتماعی

ضعف حضور مددکار در عرصه‌های مختلف اجتماعی / مددکاران را نمی شناسند

مددکاری در سه حوزه کار بافرد، گروه و جامعه است و این نشان دهنده وسعت ایـن حرفـه میباشد اما از آن جایی‌که این سه حوزه دارای ظرفیت بالایی برای کار حرفه‌ای داراست و فی نفسه محدویتی برای خدمت به مردم ندارد بجز حفظ مواضع علمی و نتایج اجتمـاعی آن. امـا اینکه آیا ورود به این مباحث مهم که همانا کـل جامعـه را در برمیگیـرد، شـرایطش بـرای مددکاران مهیا گردیده است، بحث دیگری است. بخشی از فعالیتهای مددکاری در ایـن سـه حوزه به تفکر، ارایه روش و عملکرد خود مددکار برمیگردد که شاید بر معیارهـای حرفـه‌ای مطابق باشد و یا بنا به دلایلی در مرحله نقص باشد که میتواند مناقشـه برانگیـز باشـد کـه در جای خود میتوان به آن پرداخت. اما مسئله‌ای که میخواهم در این نوشتار کوتاه به آن بپردازم نبود تعریف مناسب برای ایفای نقش مددکاری در جامعه است، جای خـالی و نبـود قـوانین لازم، ضروری و محکم برای ورود مددکاران به مداخلات اجتماعی در سـه حـوزه یـاد شـده می‌باشد و موانعی را برای حضور موثر مددکار در انواع مداخلات اجتماعی ایجاد کرده اسـت

که همانا خلاءهای قانونی است نمونه‌ای که میتوان به آن اشاره کرد این است مددکارانی میتوانند مداخله در بحران آنی داشته باشند که کارمند سازمان متبوع باشند یا مجوز ورود داشته باشند و هیچ مددکار مستقلی نمیتواند برای کمک به کاهش یا رفع بحران ورود کند و حتی کارت مددکاری وی در این موقع فاقد ارزش است و اگر بنا به سوگند حرفه‌ای و احساس مسولیت وارد ماجرا شود پیامدهای آن را میبایست پاسخگو باشد و هیچ مراجع قانونی از وی و رسالت حرفه اش دفاع نمیکند بارها از زبان مددکاران شنیده شد که اگر اقتدار لازم به آنها داده میشد از بخشی از اتفاقها پیشگیری میشد. به مقایسه‌ای دست میزنم در جلسه مشاوره‌ای که با قاضی و همسرشان داشتم ایشان براحتی در فضای غیر کاریشان هم مسلح بودند که شاید قوانین مرتبط با این حرفه این مجوز را برایشان قایل شده است و قصد پرداختن به این بخش راندارم، **قصد من از این مقایسه این است که چرا مددکاران نباید با کارت هویتی شغلی در هر زمان که تشخیص دادند در بحرانها وارد شوند و مداخله آنان در هر زمان و شرایطی مورد قبول مراجع قانونی باشد؟** امروز شاهد نزاعی بودم که پلیس وارد ماجرا شد یک نزاع خیابانی بعد از آنکه وقتی را برای مداخله انجام دادم و به نوعی به مصالحه انجامید و از خشونت بیشتر جلوگیری شد اما برای مامور انتظامی حرفه مددکاری از هیچ جایگاهی برخوردار نبود اگر چه احترام گذاشت و فرصت گفتگو رافراهم آورد اما این فقط به خاطر نگرش وی بوده است در حالیکه میتوانست با نشان دادن کارت شناسایی، ورود مددکار ضرورت قانونی باشد. هرگز پاسخ مامور اداره آگاهی را فراموش نمیکنم که برای ملاقات جوانی که بدلیل رفتار ضد اجتماعی از دید قانون بازداشت شده بود، رفتم و خودم را معرفی کردم و گفتم آیا شما با مددکاری آشنا هستید، ایشان در پاسخ گفتند که من فقط اراذل و اوباش را میشناسم و مددکاری را نمیدانم چیست!! و صدها نمونه دیگر که نشان دهنده ضعف حضور مددکاری در عرصه‌های اجتماعی است که میبایست به آن پرداخت. و اگر امروز این مهم نادیده گرفته شود و مسامحه کرد، فردا بسیار دیر خواهد بود.

مریم پرمحمدی آذر

مددکار اجتماعی

پست‌های مددکاری اجتماعی توسط چه کسانی اشغال شده است؟

برنامه ریزان نیروی انسانی در غالب سازمان‌های های دولتی که متولی خدمات رفاهی، فرهنگی و اجتماعی هستند (منجمله سازمان بهزیستی) در رده‌های صنفی و ستادی خود و در طراحی مشاغل مورد نیاز بکارگیری مددکار اجتماعی در گروه‌های تخصصی را پیش بینی نموده اند...

سازمان بهزیستی که از پیشگامان موفق در امر خصوصی سازی و کمک به امر نهادینه شدن اصل ۴۴ می‌باشد در این خصوص ید طولایی دارد به گونه‌ای که در تدوین آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و شیوه نامه‌های اجرایی خود در عرصه‌های مختلف ارائه خدمات تخصصی به حد کفایت اضطرار بکارگیری مددکار اجتماعی را تاکید نموده است. با نگاهی به سایر سازمان‌ها و نهادها همچون تامین اجتماعی، بنیاد شهید، کمیته امداد امام (ره)، بیمارستانها، شرکت نفت، بانک‌ها و... نیز وضعیت به همین منوال است. بنابراین برنامه ریزان و خط مشی گذاران وظیفه اولیه خود را به شکل نسبی انجام داده اند. اما سوال اصلی اینجاست :

چه تعداد از این پست‌ها توسط فارغ التحصیلان این رشته اشغال شده است و آیا همه

مراکز غیردولتی که لازمه فعالیت و همکاریشان با سازمان‌ها بکارگیری مددکاری اجتماعی است، به این مهم پرداخته اند؟

به نظر می‌رسد در این زمینه بررسی علمی و دقیقی صورت نگرفته و یا منابع موثقی که در دسترس عموم قرارگیرد به چشم نگارنده این متن نیامده است. برای رسیدن به پاسخ مناسب و اخذ راهکارهای پیشنهادی، پاسخ به این سوالات حیاتی است و ابهامات بسیاری را برطرف می‌سازد :

چنددرصد از پست‌های تخصصی مددکاری اجتماعی در سازمانهای دولتی بلاتصدی است؟

چه میزان از پست‌های اشغال شده، توسط فارغ التحصیلان رشته مددکاری اجتماعی و خدمات اجتماعی احراز شده است؟

چه تعداد از مراکز غیردولتی ملزم به بکارگیری مددکاری اجتماعی هستند؟

چه تعداد از مددکارانی که در مراکز غیردولتی این عنوان را کسب نموده اند فارغ التحصیل رشته‌های مددکاری و خدمات هستند؟

چرا در اعلام شرایط احراز این پست در سازمانهای دولتی و غیردولتی رشته‌های علوم رفتاری همچون روانشناس و علوم تربیتی و پژوهشگری را مجاز بر می‌شمارند؟ آیا فارغ التحصیلان این رشته‌های وزین و ارزشمند در دروس دانشگاهی خود، اصول و روشها و فرایند مددکاری اجتماعی را که دانشجویان همین رشته در پس چهار سال اشتغال به تحصیل و فراگیری مبانی نظری و عملی و دوره‌های طولانی مدت کارورزی به مهارت ورزی پرداخته اند، فراگرفته اند؟

بد نیست نگاهی گذرا به پیشینه دانشگاههای متولی تربیت مددکاری اجتماعی بیاندازیم. بعد از انقلاب اسلامی تنها دانشگاه علامه تلاش نمود تا به تبعیت از مدرسه عالی خدمات اجتماعی به تربیت کارشناسان علوم اجتماعی با گرایش خدمات اجتماعی بپردازد و پس از آن دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و کمی بعد دانشگاه آزاد با گسترش نسبی در سطح کشور سهم بزرگی در تربیت فارغ التحصیلان این رشته برداشت و در حال حاضر هم

دانشگاههای پیام نور،علمی کاربردی‌ها و خوارزمی در سطح وسیعی بـه پـذیرش دانشـجو در مقاطع کاردانی و کارشناسی می‌پردازد.

سالیان سال است انجمن صنفی و علمی و کانون کلینیک‌های مددکاری اجتماعی در حـال فعالیت هستند. اما آیا آمار دقیقی از تعداد فارغ التحصیلان از این دانشگاهها و میـزان جـذب آنان در سازمانها و نهادهای دولتی وجود دارد؟

از منظری دیگر باید به این پرسش پرداخت که چرا علیرغم تصدی پست‌هـای مـددکاری اجتماعی توسط افراد مختلف و حفظ ظاهر در اغلب مراکز غیردولتی مبنی بر برخـورداری از مددکار !، سازمان‌ها در تحقق برنامه‌های رفاهی و اجتماعی و خدماتی با چالش‌هـای بزرگـی مواجه هستند و چرا آسیب‌های اجتماعی این چنین بی محابا با ایجاد شـکافی کـه هـر لحظـه بزرگتر و بزرگتر می‌شود کانون خانواده‌ها و جامعه را هدف گرفته است؟

آیا مدیران و سرپرستان بخش‌های دولتی و غیردولتی بـا وظـایف و فعالیـت‌هـای یـک مددکار اجتماعی آشنا هستند؟

آیا مددکار اجتماعی صرفا یک آمار گیر است؟ یک تنظیم کننده فرم مالی؟ یک منشـی است؟ نگهبان است؟

انتظار مدیران از مددکاران اجتماعی چیست؟ چرا در معرفی مـددجو بـه مـددکار قبـل از برقراری ارتباط حرفه‌ای مددکار با مراجعه کننده اش، برای مددکار تعیین تکلیف شـده کـه چه میزان، چه کمکی و به چه شیوه‌ای انجام شود. آیا اگر قرار بـر ایـن باشـد کـه مـددکار اجتماعی تعلیم دیده، فرایند هدفمند مددکاری را کـه از مشـاهده و مصـاحبه و تشـخیص تـا پیگیری برنامه کمکی از مهارت و فنون مختص به این حرفه استفاده می‌نماید را کنار بگـذارد و بنا به دستور و تشخیص رئیس و سرپرست خود پرونده اشتغال درست کند، کمک موردی بدهد، گروه همیار راه بیاندازد، تعطیل کند، تغییر کاربری بدهد و... اصلا دیگر چه نیازی به مددکار اجتماعی. منشی و متصدی امور دفتری و کارمند از همه جا رانده نیز قـادر اسـت تـا فرم‌های اطلاعاتی و چک لیستی معمول را پر کند و ادعای گزافی نیز نداشته باشد.

یک نگاهی هم به درون خود بیاندازیم. تا چه اندازه در تربیت مددکار اجتماعی خلاق، خوشفکر،علاقمند، پویا و فعال موفق بوده ایم. نگاهی به کارورزی‌های اخیر بیاندازیم.اغلب بدون سرپرست، بدون راهنمای کارورز مددکار اجتماعی، در برخی از دانشگاهها بدون مدرس فارغ التحصیل رشته مددکاری. دانشجویانی که از نظر انرژی، توانایی و علاقه چیزی از قدیمی‌ها کم ندارند وبه واسطه جوان بودن خیلی سریع ترو به روزتر قدرت تطبیق با موقعیت کنونی را بدست آورده و قابلیت‌های فراونی دارند.

در نهایت، دولت چنانچه دغدغه کنترل و تحدید آسیبهای اجتماعی را دارد و چنانچه صدای کر کننده زنگ خطر به گوش متولیان و دست اندرکاران مدیریت ناپیدای حوزه اجتماعی رسیده است وخواهان بکارگیری نیروی متخصص در جایگاه اصلی و حقیقی خودشان است از صنوف مددکاران اجتماعی مطالبه نماید.

انجمن مددکاران اجتماعی ایران و کانون مراکز مددکاری اجتماعی و انجمن علمی مددکاری اجتماعی داعیه دفاع از جایگاه و نقش مددکاری و مددکاران اجتماعی را دارند. این صنوف می‌توانند تحت نظر نهادهای نظارتی کشور در بررسی علمی و دقیق اثرات ناشی از عدم بکارگیری مددکاران اجتماعی در نهادهای دولتی و مدنی و سمن‌ها را آسیب شناسی کنند و راهکارهای عملی برای برون رفت از بحرانی را ارائه نمایند که به گفته زعمای مددکاری اجتماعی خطر نفوذ آسیبهای اجتماعی در جامعه خیلی وقت است که ارکان خانواده را به لرزه درآورده و روز به روز کنترل آن پیچیده تر و دشوارتر و دور از دسترس خواهد بود و اثرات زیانبار آن دامان آحاد جامعه، فقیرو غنی، باسواد و کم سواد، زن و مرد، کودک و نوجوان را خواهد گرفت.

برای برون رفت از بزنگاه باید با چشم واقع بینانه دید، حساس شد و از پتانسیل سینرژی بخش مددکاران اجتماعی استفاده نمود.

کبری راد

مددکار اجتماعی - دی ۱۳۹۳ گیلان – رشت

نامه سرگشاده یک مددکار اجتماعی به وزیر علوم

جناب آقای دکتر فرهادی، وزیر محترم علوم، تحقیقات وفناوری

سلام علیکم

نیم قرن پیش، حرفه مددکاری اجتماعی در این دیار متولد شد. در این سالها این علم و حرفه با فراز و نشیبهایی در خدمت افراد، گروهها و جامعه قرار گرفت و تلاش کرد تا با توانمندسازی افراد آسیب دیده، نقشی در کاهش رنجهای انسانی داشته باشد. بی شک جنابعالی بهتر از بنده می‌دانید که در گذر ایام علیرغم رشد جامعه، همپای آن و شاید جلوتر از آن با آسیبهای فردی و اجتماعی نو ظهوری روبرو بوده ایم که مددکاران اجتماعی از پیشگامان رویارویی با این آسیبها بوده وهستند. در این عرصه سایر حرفه‌های یاورانه فعال در کشور هم دست به تلاش زدند. اما مددکاران اجتماعی بعنوان پیشقراولان مبارزه با دردها و آسیبها ی جامعه، نه فقط با پشت میز نشینی که در میدان تحقیق و پژوهش، در کار با کودکان کار و خیابان، قربانیان فقر و روسپیگری، اعتیاد، زنان و کودکان آسیب دیده،

بیماران صعب العلاج، زنان سرپرست خانواده، خانواده زندانیان و ساکنین سکونتگاههای غیر رسمی و محلات فقیر نشین و... به ایفای نقش پرداختند.

در چنین وادی سهمناکی که بازیگران می‌بایست به تحصیلات، تخصص و تجربه کاملا حرفه‌ای برای رویارویی بمنظور پیشگیری و درمان مجهز و مسلط باشند، چند صباحی است که شاهد اتفاق عجیبی هستیم : پذیرش دانشجویان مددکاری اجتماعی در دانشگاههای جامع علمی کاربردی بدون آزمون و بدون مصاحبه !!! این به چه معناست ؟ آیا همه داوطلبان الزاما صلاحیت ورود به این عرصه چالش برانگیز را دارند؟ یا عرصه چالش برانگیز نیاز به بازیگران حرفه‌ای و متخصص ندارد؟! چه استدلالی در پشت این سهل انگاری خطرناکی نهفته است ؟! کمی دقت و کمی تعمق نشان می‌دهد که محصول چنین غفلت و سهل انگاری جز شدت گرفتن آسیبها و بیماریهای اجتماعی و رنج دوران چیز دیگر نخواهد بود!

آقای وزیر! مددکار اجتماعی مهندس اجتماعی است. اگر مهندسی صلاحیت آنرا نداشته باشد معمار بنایی خواهد بود که ویرانه‌ای بلاخیز خواهد شد. مددکار اجتماعی درمانگر است و اگر درمانگر توان درمان را نداشته باشد خود خالق بیماری خواهد شد. مددکار اجتماعی یک آموزشگر و راهبر است و وقتی صلاحیت ورود به این عرصه را نداشته باشد جامعه نیازمند را به جهالت و تاریکی خواهد کشاند!!!

اجازه ندهید در مجموعه موثر و کاربردی شما چنین اجحافی بر جامعه و دردمندان این دیار برود. بی شک دود این آتش در آینده نزدیک چشمها را خواهد سوزاند. اما اجازه بدهید پیشگیری شود تا به هزینه گزاف به درمان نپردازیم و جامعه را گرفتار این غفلت نسازیم.

بعنوان عضوی کوچک از جامعه بزرگ مددکاری اجتماعی تقاضا دارم ترتیبی اتخاذ فرمایید تا پذیرش دانشجو در این حرفه بر مبنای گزینش علمی و شخصیتی صورت گیرد.

احمدعلی جبارزاده

مددکار اجتماعی

زمستان ۹۳

مددکاری اجتماعی؛ آرزوی کودکی شغل بزرگسالی

"جواد طلسچی یکتا " در کسوت یک مددکار اجتماعی، ۱۲ سال است که در شهر ساحلی انزلی مشغول به فعالیت است. این کارشناس در گفتگو با خبرنگار همشهری اظهار می‌کند: مددکاری اجتماعی حرفه‌ای علمی و تخصصی است در راستای توانمندسازی افراد، گروه‌ها و جوامع فعالیت می‌کند.

وی در ادامه می‌گوید: از سال ۸۶ تا ۹۰ در دادگستری انزلی در ارتباط با پروژه کاهش طلاق، مشاوره مددکاری ارائه می‌کردم. مدتی هم مدیریت اورژانس اجتماعی انزلی را بر عهده داشتم و همچنین روی پرونده‌های واگذار شده از سوی بهزیستی به کلینیکم با موضوعاتی چون زنان سرپرست خانوار و فرزندان امدادبگیر بهزیستی کار می‌کنم. طلسچی یادآور می‌شود: همه مراکز مددکاری اجتماعی با مجوز سازمان بهزیستی و زیر نظر آن فعالیت می‌کنند.

نگرش یک مددکار

وی در باره چگونگی علاقه به این حرفه می‌گوید: دایی من کارشناس مددکاری اجتماعی و فارغ التحصیل این رشته از آلمان بود. زمانی که او پس از ۳۰ سال به ایران بازگشت، نوع نگاهش به مسائل اجتماعی و خانوادگی مرا شیفته این حرفه کرد. انتخاب اولم برای ورود به دانشگاه همین رشته بود. حس همکاری و کمک به دیگران از نوجوانی در من وجود داشت اما زمانی که وارد این حرفه شدم با نگاهی علمی به این موضوع نگاه کردم. پیشنهادم برای داوطلبان ورود به رشته مددکاری اجتماعی این است که ابتدا اطلاعات کافی را در مورد آن کسب کنند و اگر علاقمندند، قدم در این راه بگذارند.

بعضی ممکن است گمان کنند، احساساتی هستند و تحمل دیدن درد و رنج دیگران و توان تصمیم گیری درست در این مسیر را ندارند اما باید بگویم روحیات به مرور شکل می‌گیرد و با افزایش دانش و کسب اطلاعات تخصصی و پایبندی به اصول کار، این مسأله برطرف می‌شود. این کارشناس مددکاری اجتماعی در ادامه تصریح می‌کند: البته به نظرم لازم است پیش از ورود به این رشته همانند بسیاری از کشورهای دنیا با داوطلبان مصاحبه‌ای انجام شود تا نوع تفکرات اجتماعی آنها سنجیده شود.

احساس خوشایند کمک به دیگران

بی تردید مددکاری اجتماعی، حرفه‌ای سرشار از خاطرات گونان است. طلسچی می‌گوید: یکی از تخصص‌های ما مشاوره در خصوص مصرف شیشه است. پس از ۳ سال فعالیت در این عرصه آنهایی که موفق به ترک مصرف شیشه شده اند هر چند وقت یک بار با من تماس می‌گیرند و از پاک ماندشان با خبرم می‌کنند و این یکی از شیرین ترین خاطرات حرفه‌ای من است. طلسچی یادآور می‌شود: یکی از مهم ترین دغدغه‌های مددکاران اجتماعی، بلای خانمانسوز اعتیاد است. با توجه به اینکه ۹۵ درصد موفقیت در ترک اعتیاد، وابسته به درمان اجتماعی آن است اما متأسفانه در مراکز ترک اعتیاد کمترین اثری از مددکاران

اجتماعی نیست. باید توجه داشته باشیم که اگر به درمان اجتماعی بهبودیافتگان بی اعتنا باشیم و تنها به دارو درمانی اکتفا کنیم، احتمال بازگشت آنها به اعتیاد بالاست .البته ضرورت استفاده از تخصص مددکاران اجتماعی در کلینیک‌های ترک اعتیاد در قوانین این مراکز لحاظ شده است اما استفاده از مددکاران اجتماعی در کلینیک‌های ترک اعتیاد، عموماً مشاهده نمی شود. طلسچی درباره مراجعان به مرکز می‌گوید: بسیاری از افرادی که به ما مراجعه می‌کنند نسبت به خدمات ما شناخت ندارند. معمولا به سبب مشکلات اقتصادی به کلینیک می‌آیند و گمان می‌کنند این مرکز در راستای موسسات خیریه فعالیت می‌کند. وی می‌افزاید: ادارات، سازمان‌ها و نهادهایی چون بهزیستی، انجمن مددکاران اجتماعی و همچنین رسانه‌ها می‌توانند در شناساندن این حرفه به مردم نقش موثری داشته باشند. مسلما این شناخت می‌تواند بر آسیب‌های نوپدید اجتماعی که کیان خانواده و جوامع را به خطر می‌اندازد تأثیرگذار باشد.

ترجمه و طراحی پوستر

پوستر روز جهانی مددکاری اجتماعی از سوی جواد طلسچی ترجمه شد و روی وب سایت فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی قرار گرفته است. طلسچی در این باره می‌گوید: اواخر ماه دسامبر ۲۰۱۴، فدراسیون جهانی مددکاران اجتماعی طی فراخوانی از سازمان‌های عضو در سراسر جهان خواست تا پوستر طراحی شده برای روز جهانی مددکاری اجتماعی را به زبان کشور خود ترجمه کنند.

وی در ادامه اظهار می‌کند: من تحت تأثیر شعارهای نوشته شده روی بنرهای پوستر قرار گرفتم که کاملا در مسیر فکری ما قرار داشت؛ بنابراین برای ترجمه اعلام آمادگی کردم. ترجمه و طراحی آنرا انجام دادم که پس از تأیید و اصلاح از سوی بخش بین الملل انجمن به صورت رسمی به فدراسیون ارسال شد و به عنوان دهمین زبان در سایت فدراسیون جای گرفت.

این مددکار اهل انزلی در پایان از تلاش‌های همکارانش و انجمن مددکاران اجتماعی به

منظور تبیین جایگاه حرفه مددکاری اجتماعی در جامعه تقدیر می‌کند و می‌گوید: اگر جایگاه مددکاری اجتماعی در جامعه شناسانده شود، دیگر شاهد حضور فارغ التحصیلان رشته‌های دیگر به جای آنها در ادارات و سازمان‌ها نخواهیم بود و مددکاری اجتماعی توسط مددکاران اجتماعی محقق می‌شود. کمک کردن به انسان‌ها در همه فرهنگ‌ها و کشورها کاری پسندیده است؛ اما با توجه به مشکلات زندگی فعلی و معضلات و بیماری‌های روحی، هر فردی بدون داشتن تخصص لازم نمی تواند این کار را انجام دهد. حتی کمک کردن به انسان‌ها هم به علم نیاز دارد و این کار از عهده هر کسی بر نمی آید.

روزنامه همشهری

جایگاه مددکاران اجتماعی در افزایش سرمایه اجتماعی

فعالیتهای مددکاران اجتماعی موجب ارتقاء امنیت اجتماعی در جامعه می‌شود. بحث سرمایه اجتماعی برای اولین مرتبه در سال ۱۹۱۹ در مقاله‌ای توسط هنیفن از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. سرمایهء اجتماعی مجموعه معینی از ارزشها و هنجارهای غیررسمی است که اعضاء گروهی که همکاری در میانشان مجاز است در آن سهیم هستند در واقع سرمایه اجتماعی ماده خام جامعه مدنی محسوب میشود که از تعامل‌های هر روزه بین افراد جامعه به وجود می‌آید این سرمایه به تنهایی در فرد یا ساختار جامعه نهفته نیست بلکه در فضای تعامل‌ها و ارتباطات اجتماعی بین افراد وجود دارد.

سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی ای که می‌توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند.

سرمایه اجتماعی منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه است که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت

بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی بـه هـدف مشـترک، حفـظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌کند.

از تعاریف سرمایه اجتماعی معلوم میشود که ایـن مفهـوم دربردارنـده مفـاهیمی همچـون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروههاست به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایـج در جامعـه مثبـت تلقـی شـود هـدایت می‌کند.

اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی در واقـع سـه مولفـه مهـم سـرمایه اجتماعی است که موجب ایجاد حس همکاری و همیاری و مشارکت میـان اعضـای جامعـه می‌شود؛ اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتمـاد نهادهـای مذکور به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، از وجوه مختلف اعتماد اجتمـاعی می‌باشند از سوی دیگر درستکاری، صداقت، وفای بـه عهـد، انصـاف و عـدالت ارزش‌هـای اعتمادآفرین هستند، آزادی فعالیت مدنی و بسـته نبـودن راه و تشـکیل نهادهـای مسـتقل از قدرت و حجیم نبودن دولت نیز از مصادیق مشارکت عمومی است.

سرمایه اجتماعی یکی از فاکتورهایی است که نقش بسیار مهمی در امنیت اجتمـاعی یـک جامعه دارد و امروزه این سرمایه، نقشی بسیار مهمتر از سرمایه ی فیزیکی و انسانی در جوامـع ایجاد می‌کند و در غیاب سرمایه ی اجتماعی، سایر سـرمایه‌هـا اثربخشـی خـود را از دسـت میدهند. لذا بدون سرمایه ی اجتماعی، پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگـی، اقتصـادی و امنیتی هموار و دشوار می‌شود.

شرط لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابـط گـرم، گسـترش انسـجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد ــ جامعه ــ دولت) است که متاسـفانه در کشورهای جهان سومی مانند ایران، کمتر به این موضوع توجه می‌شود. این در حالی است که کاهش بیش از حد سرمایه اجتماعی در هر جامعه و کشوری به حتم جامعه را با مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی روبرو می‌سازد که نهایت آن، فروپاشی اجتماعی است.

برخی از جامعه شناسان معتقدند که در ایران نیازمند سرمایه اجتماعی برون گروهی هستیم تا روابط بین افراد تقویت شود زیرا میزان اعتماد افراد در درون خانواده‌ها و آشنایان بیشتر از میزان اعتماد آنها به نهادها و ارگانهای دولتی است. به عقیده آنها سرمایه اجتماعی در ایران در قالب هیاتهای خود جوش مذهبی خود را نمایان می‌سازد.

تشکیل هیأتهای عزاداری و کمک به زلزله زدگان و آسیب دیدگان و غیره از جمله این موارد است. در شرایطی غیر از مواقع اضطراری یا خاص سرمایه اجتماعی در جامعه کمرنگ شده و در بسیاری از موارد دیده نمی شود. در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی به صورتی کمرنگ به چشم می‌خورد.

رواج قانون شکنی، بالا رفتن میزان تعهدات محضری و کنترل افراد، نرده کشی بین چهار راهها، حضورپلیس در اکثر میادین و خیابانها، پایین آمدن میزان مشارکت رسمی سیاسی و اجتماعی شهروندان اعم از حضور در انتخابات مجلس و شوراها تا رعایت حقوق شهروندی و بسیاری از موارد دیگر از جمله موارد نزول اعتماد و مشارکت درجامعه است.

هر قدر در جامعه‌ای ارزش ها، هنجارهای اجتماعی و تعهدات متقابل میان افراد استحکام یابد، انحرافات اجتماعی مثل طلاق، اعتیاد، جرم، خودکشی و ..... کاهش خواهد یافت. در غیر اینصورت و با فروپاشی سرمایه ی اجتماعی، جامعه دچار ضعف، بی نظمی و در نهایت آنومی در سطح گسترده خواهد شد و امنیت اجتماعی آن به خطر خواهد افتاد.

در این میان این سوال مطرح میشود که چه اشخاص و سازمان هایی می‌توانند در تولید و تقویت این سرمایه در کشور نقش داشته باشند؟ بدون شک پاسخ به این سوال از دیدگاه صاحبنظران متفاوت خواهد بود، اما چیزی که مسلم است همگی به نقش مددکاران اجتماعی به عنوان اشخاص حرفه‌ای و جایگاه رشته ی مددکاری اهمیت ویژه‌ای قائلند. به طوری که این اشخاص به عنوان مصلحان اجتماعی می‌توانند در لایه‌ها و ساختارهای مختلف جامعه ایفای نقش نمایند. فلسفه ی پیدایش و شکل گیری مددکاری اجتماعی از یک طرف مبارزه با بی عدالتی، نابرابری و تبعیض در سطح جامعه و از طرف دیگر فراهم کردن بستر مشارکت

برای همه افراد جامعه به خصوص اقشار پایین جامعه در زمینه‌های مختلف، پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین ایجاد اعتماد اجتماعی دربین گروه‌های مختلف جامعه است و با توجه به سطوح کاری مددکاران اجتماعی- فردی، گروهی، جامعه‌ای در قادرسازی و توانمند سازی افراد و اقشار مستضعف و آسیب دیده

جامعه (دختران فراری، کودکان خیابانی، زنان ویژه و خشونت دیده، معتادین و...)، نقش مددکاران اجتماعی در تولید و تقویت سرمایه ی اجتماعی و در نتیجه امنیت اجتماعی – امنیت عینی و امنیت ذهنی – بیش از سایر رشته ها و حرفه های دیگری باشد. لذا توجه به حفظ سرمایه ی اجتماعی(مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و ارزش‌های مشترک) به عنوان یکی از متغیرهای تاثیر گذار در امنیت اجتماعی و همچنین به کارگیری اشخاص و افراد حرفه‌ای همچون مددکاران اجتماعی، مشاوران، روانشناسان و جامعه شناسان در کاهش آسیب اجتماعی که نتیجه ی آن افزایش ضریب امنیت اجتماعی است به عنوان راه حل پیشنهاد می گردد. سرمایه اجتماعی در خانواده باعث فراهم آوردن شبکه حمایت برای اعضای خانواده می‌شود که در مواقع فقر و بیکاری به کمک می‌آید. این حمایت می‌تواند مصرف مواد مخدر و خشونت خانگی را که به رفتارهای خشونت بار در جامعه می‌انجامد کاهش دهد.

روابط اجتماعی توأم با اعتماد (که از موءلفه‌های سرمایه ی اجتماعی است) اثر تعیین کننده بر شادمانی دارند و در این میان خانواده به عنوان عمده ترین تامین کننده شادمانی افراد محسوب می‌شود.

هر اندازه افراد در ساختار اجتماعی موجود دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، سلامت روانی افراد در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت.

مریم عباسی

مدیر کلینیک مددکاری اجتماعی پندار

شهرستان رباط کریم- استان تهران - اسفندماه۹۳

"به عمل کار برآید به سخندانی نیست"

حدود ۵۶ سال از تاسیس مدرسه عالی مددکاری اجتماعی و ورود حرفه مـددکاری اجتمـاعی به عنوان یک رشته تخصصی در ایران می گذرد.

این حرفه علیرغم سابقه پنجاه و شش ساله خود همچنان حرفه‌ای کمتر شناخته شده در بـین عامه مردم و حتی قشر تحصیلکرده جامعه می‌باشد. البته در سال‌های گذشته و به واسطه فعـال تر شدن مددکاران اجتماعی در عرصه‌های مختلف از جمله گـرفتن نقـش‌هـا و پسـت‌هـای کلیدی و تعیین کننده در سازمان‌های مختلف و استفاده از تریبون رسانه‌هـای جمعـی ماننـد: تلویزیون، روزنامه ها، جراید و ... و همچنین فعال تر شدن بیشتر این افراد در دنیای مجازی، تبدیل به حرفه شناخته شده تری شده است.

علاوه بر این، اکثر قریب به اتفاق مـددکاران اجتمـاعی، در راسـتای شناسـاندن خـدمات تخصصی این حرفه و رساندن جایگاه آن به نقطه مطلوب و مورد نظـر، اقـدام بـه توضـیح و تفسیر خدمات آن با استفاده از ابزار مختلف می‌نمایند. هرچنـد کـه ایـن روش در شناسـانده

شدن این حرفه کمک شایانی نموده و در آینده نیز مثمر ثمر خواهد بود اما باز هم تمامی این موارد، باعث نشده است که مددکاران اجتماعی شاغل در سازمان‌های مختلف، روزانه درگیر پاسخگویی به سوالاتی از قبیل: "مددکار اجتماعی کارش چیه؟ شما درس خوندین؟ مددکارا کجاها کار میکنن؟ مددکارا همونایی هستند که تو بیمارستان تخفیف می‌دن؟" که از جانب مردم عادی و حتی افراد متخصص مطرح می‌شود، نباشند.

به طور قطع علاوه بر کمتر شناخته بودن این حرفه و خدمات آن، حضور افراد غیر متخصص در پست‌های مددکاری اجتماعی نیز بر این ناآگاهی و برداشت غلط افراد از فعالیت مددکاران اجتماعی، افزوده است. دامنه این اتفاق (استفاده از افراد غیر متخصص در پست‌های مددکاری اجتماعی) به قدری گسترده است که آقای دکتر اقلیما رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی نیز چندی قبل اعلام کردند بیشتر افراد شاغل در پست‌های مددکاری اجتماعی، مددکار اجتماعی نیستند و همین امر علاوه بر ایجاد مشکل برای ورود به بازار کار مددکاران اجتماعی متخصص، نارضایتی آنان را از برداشت نادرست افراد از این رشته دانشگاهی در پی داشته است.

با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد در پی آگاهی نسبی به وجود آمده در طی چند سال گذشته، حال نوبت به آن رسیده است که در کنار این نوع تبلیغات، از خدمات تخصصی ارائه شده توسط مددکاران اجتماعی، نیز برای شناساندن خدمات این حرفه به افراد و گروه‌های مختلف استفاده نماییم.

تاثیرات این نوع تبلیغات که تبلیغات تخصص محور نامیده می‌شود به مراتب فراتر از برشمردن خدمات ارائه شده از سوی متخصصان این حرفه و توانمندی‌های آنان به صورت کلامی می‌باشد. البته ناگفته نماند که تاثیرات منفی عملکرد ضعیف مددکاران اجتماعی نیز تاثیرات به مراتب فراتری خواهد داشت. از مصادیق این نوع تبلیغات می‌توان به ارائه خدمات تخصصی مددکاری اجتماعی در بخش‌های مختلفی که متخصصان این رشته شاغل به فعالیت بوده و ورود به سایر بخش‌های جدیدی که حضور مددکاران اجتماعی متخصص را می‌طلبد،

اشاره نمود.

این امر بدین معناست که در کنار برشمردن فعالیت‌های موثر و قابل تحسین مددکاران اجتماعی، توجه بیشتری به نحوه ارائه خدمات تخصصی و رعایت اصول و ارزش‌های این حرفه صورت گیرد. البته ناگفته نماند که این امر مستلزم به روز و کارآمد کردن سیستم آموزشی، استفاده از دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، استفاده از دانش بومی شده، اتحاد و همدلی متولیان این حرفه، تاسیس نظام مددکاری اجتماعی و... می‌باشد.

مرتضی دانائی فر
کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

رویکرد انسجام نظری _ عملی افسوس واسطه زدگی پدیده ها، غفلت از پیشگیری

معمولا در مقایسه رویکردهای نظری در علوم اجتماعی شاهد جدایی بینش تا عمل هستیم و این عدم فهم دقیق بین دو طیف نظریه پرداز با مجریان همیشه وجود داشته است و البته در کشورهای توسعه یافته، کاستن از بینش تا عمل رویکردی سلامت نگرانه تلقی می‌شود.

در کشورهای کمتر توسعه یافته که نظام اداری آنها فاقد انسجام مطلوب است، حلقه‌های واسط برای تبیین نظریات و بکارگیری آن در بخشهای صنفی به طور شایسته‌ای عمل می کنند.

بخشهای صنفی به مثابه خط مقدم رویاروی در درون پدیده‌ها از ناب ترین و کاربردی ترین اطلاعات که در بطن پدیده رخ می‌دهد بهره می گیرد.

به همین علت ارزشمندی اطلاعات در واحدهای اجرایی _ اورژانسی اعم از فوریتهای پلیسی، پزشکی، امدادی، فوریتهای اجتماعی ۱۲۳ و خط ملی اعتیاد بسیار زیاد است و می‌بایست در ایران نیز از حداقل بلاواسطگی در این رویکرد مستقیم استفاده نماییم.

عدم نشر اطلاعات پیشگیرانه و ایجاد واسطه، مدت از دست رفته‌ای است که بین واقعه پدیدار شده تا دریافت و اعلام شدن آن است. یکی از شواهد این مدعی افراد فعال در واحدهای اجرایی هستند که معمولا در سالهای ابتدایی اشتغال به کار با علاقه و شور بیشتری به ارائه خدمت می‌پردازند اما در سالهای بعد از تجربیات اولیه، دچار افسوس واسطه زدگی پدیده‌ها می‌شوند.

اغلب این افراد در این اندیشه هستند که چرا رویکرد منسجمی بین حوزه نظری با واقعیت رخ داده در پدیده‌ها وجود ندارد و چرا متولیان ستادی با ایجاد واسطه دچار غفلت از پیشگیری هستند.

ضعف در انتقال اطلاعات و نابالغی موجود در مشاهده ژرفای پدیده‌های رخ داده در جامعه منجر به ناپایداری در رسیدن به هدف گذاری‌ها می‌گردد و نقش مددکاران اجتماعی و سایر فعالان در عرصه علوم اجتماعی موثر و شایسته توجه بیشتر است.

این مهم در کشورهای توسعه یافته کاملا فهم گشته و به همین دلیل بودجه تحقیقات و شناخت دقیق فضای موجود در لایه‌های مختلف اجتماعی و به تبع آن پیشگیری سطح یک را به خوبی باور داشته و به اجرا در می‌آورند.

اما در کشورهای کمتر توسعه یافته نظیر ایران، افسوس فعالان مستقیم در بین افراد، گروهها و جوامع دچار آسیب، بدان سبب است که امکان بهره مندی از امکانات و منابع و به عبارت بهتر امکانات قدرت در بین نیروهای ستادی بیشتر است که بدلیل وجود چرخه تنگاتنگ در دو سو، سنت زدگی اداری همچنان روند غفلت از پیشگیری را مداومت می‌بخشد.

به همین دلیل در واحدهای اجرایی، نارضایتی شاغلین در بخش چهره به چهره و در واحدهای ستادی، عدم درک متقابل نسبت به فراوانی مددجویان و کمبودهای واقعی و فقدانهای حمایتی است که منجر می‌گردد تعهدات در بسیاری از سطوح محقق نشود.

تشکیل کارگروههای درون سازمانی اعم از بین واحدی، درون مدیریتی، معاونتی، تا بین

سازمانی و وزارتخانه‌ای و بین قوا و فعال سازی عملی شوراهای مربوطه نیازمند رویکردی سمن محور است تا حدودی نقش همکاری برای حفظ یکپارچگی اجتماعی را بیشتر کرده و استراتژی هویت بخشی به سیستم را جبران نمود.

برای ایجاد بینش‌های جدید و حمایت از حلقه مدیریتی که اداره صاحبان تصمیم را به سوی اجرای تصمیم مدبرانه رهنمون سازد می‌بایست دغدغه‌ای راستین ایجاد شود و باید بخشی از این تحلیل واقع بینانه را در نقش سمن‌ها و داوطلبین مربوطه جستجو کرد.

با اتکاء به این رویکرد می‌توان انعطاف برای پذیرش بیشتر سمن‌ها توسط تصمیم سازان به عنوان عوامل شتاب بخش در نفوذ مردم سالاری و کاهش تصدی گری‌های توان فرسای دولتی _ حکومتی را یک ضرورت تلقی کرد.

در آن شرایط بهره ور است که رصد هوشمند پاره نظام‌های جامعه توسط متولیان ذیربط ساده تر، جامع تر و با گستره نفوذ بیشتری خواهد بود.

سید احمد رحیمی

رییس هیات مدیره کانون سراسری مراکز مددکاری اجتماعی کشور

زمستان ۹۳ – کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران

مددکاران اجتماعی در پی شان و مقام انسانها

تو به سیمای شخص مینگری ما در آثار صنع حیرانی

در رابطه با شان و مقام انسانها بر همگان مبرهن است که ارزش انسانها تا چه اندازه والاتر است، نمی خواهم جملات تکراری و شعارگونه را اظهار کنم بلکه میخواهم سوالاتی در رابطه با فاصله ارزش و شان انسانهای امروزی با ارزش خلیفه الهی انسانها داشته باشیم.اینکه میگوییم انسان خلیفه خدا روی زمین است یا بنا بر حدیث نبوی من عرف نفسه فقد عرفه ربه ؛ آیا واقعا انسان امروزی جامعه ما در این خط مشی الهی قرار دارد؟ آیا بخش شکلی انسان فراتر از محتوایی اش در حرکت است؟. برابری مساوات و حکومت عدل الهی از صدر اسلام توسط پیامبر اسلام (ص) که بلال سیاه، عرب و عجم و ... را بدون در نظر گرفتن رنگ و

نژاد و ... تنها انسانیت و تقوی الهی را سنجه اصلی ارزش انسانها قرار میداد، آیا با گذشت چندین قرن از صدر اسلام فاصله افراد جامعه ما یا همان شریعت صدر اسلام تا به امروزبه یک مقیاس مانده است؟ آیا برای نزدیکتر شدن فاصله مقام و ارزش انسانها نسبت به صدر اسلام تلاش میکنیم؟ آیا حریمهای شخصی افراد محفوظ است؟ آیا حریمهای اشخاص براحتی قابل نفوذ و شکاف هست؟ آیا خود انسانها برای ارزش و شان مقام خود واقفند؟ آیا شرایط و موقعیت برای ارتقاء شان و مقام انسانها مهیاست؟ براستی چرا ارزشهای انسانی در بین اکثر افراد فعلی جامعه ما این همه تنزل یافته است؟ آیا به نیروی دانش و فکر اهمیت کمتری میدهند؟ آیا تعلیم، تعلم؛ تزکیه؛ تهذیب، جزء ارکان پیشرفت و مقام انسانهاست؟ آیا پول، ثروت، قدرت، سرمایه مادی جایگزین ارزشهای اصلی شده اند؟ آیا برای رسیدن به نیاز، مقام و شان انسانیت پایمال و نادیده گرفته می‌شود؟ آیا نیازهای اولیه و ثانویه افراد باعث از یاد رفتن شان و مقام انسانها شده است؟ آن سوال همیشه زنده؛ آیا علم بهتر است یا ثروت؟ آیا علم ثروتمند شدن و ثروتمند علمی داریم؟ آیا هر کس میخواهد خودش را مطرح نماید، یا همه میخواهند دراستقلال و آرامش باشند؟ و دهها سوال دیگر...

جامعه فعلی ما با چنین سوالاتی روربروست و برای پاسخ به این سوالها نیازمند خدمات رفاهی، آموزشی و فرهنگی است اگر جامعه در هریک از مقوله‌های پیشگفت نتواند نقش خود را ایفا نماید، افراد، خانواده ها، نهادها در همه زمینه‌ها با مشکلاتی مواجه خواهند بود در چنین جامعه‌ای قبل از اینکه بر شان و مقام انسانها بیاندیشند در درجه اول باید بر نیازهای افراد و جامعه متمرکز باشند. بنابراین برطرف شدن نیازها در الویت اول میباشد، ضمن اینکه هرکسی حق دارد برای برطرف کردن نیاز خود تلاش و امرار معاش کند و این حق را دارد از راه مورد قبول جامعه امرار معاش نماید و افرادیکه توانایی برآورده کردن نیاز خودشان را ندارند و یا در برآورده کردن نیاز خود زیاده روی می‌نمایند و یا برای دست یافتن بر نیازها از راههای غیر قانونی و نا متعارف وارد میشوند، اینها افرادی هستند که در طول زندگیشان با چالشهایی روبرو میگردند.

چالش‌های نیازها با ارزش و شان مقام انسانها

برای اینکه بتوانیم بین نیازها و ارزش همسویی ایجاد کنیم، باید نیازهای جامعه را بشناسیم و با الویت بندی نیازها در جهت توسعه انسانی گام برداریم.انسان بعد از اینکه متولد میشود و رشد میکند (با لحاظ نیازهای مازلو) نیازمند آموزش و بهداشت است، با کمی دقت متوجه میشویم نقش مثبت آموزش رابطه معنی داری با بسیاری از هنجارمندی افراد دارد.

آموزش و بهداشت ستون فقرات یک جامعه هستند اگر بر این دو نهاد اهمیت داده نشود ارزش و شان افراد آن جامعه به پایین ترین حد خود خواهد رسید. بیشترین جامعه آماری افراد هر جامعه را از لحاظ بار مراجعه، بخش آموزش و بهداشت تشکیل میدهند. همه افراد جامعه بعد از خانواده، از دوران طفولیت تا دوران بزرگسالی با آموزش و بهداشت، پرورش میبابند، در کشورهای توسعه یافته بالاترین بودجه و مزایا به آموزش و بهداشت تعلق میگیرد چرا که نقش آموزش؛ تربیت و توسعه نیروی انسانی است و نقش بهداشت ایجاد فرصت برای آموزش می‌باشد لذا این دو بخش مکمل همدیگر هستند و زمانیکه این دو بخش به نحو احسن بر وظایف خود عمل نمایند، انسان سالم تحویل آن جامعه میشود و انسان سالم ارزشمند تلقی خواهد شد. بنابر این نیازبه بهداشت و آموزش بعد از نیازهای حیاتی و اولیه از بالاترین نیازهای یک جامعه به حساب می‌آید و تصمیم گیران جامعه باید بستری را فراهم نمایند که همگان بتوانند از آموزش و بهداشت با کیفیت بهرمند گردند.

راهبردی برای ارتقاء شان و مقام انسان !!

شکوفایی انسانها بر اساس هرم مازلو در راس قرار دارد بر این اساس افراد جامعه باید نیازهای کف هرم را سپری بکنند تا اینکه بر راس هرم نزدیکتر شوند.جامعه ایی که بتواند ساز و کار لازم را برای برطرف کردن نیازهای اساسی افراد را فراهم بکند در آن صورت بر ارزش و شان مقام انسانها افزوده است.

انسانها اگر احساس کنند نیازهای اولیه و ثانویه شان برآورده نشده قبل از اینکه بر

همدیگر احترام بگذارند برای برطرف کردن نیاز خودشان تلاش خواهند کرد اگر برای رسیدن به نیازهای خود با چالش مواجه شوند در آن صورت احترام متقابل هم خدشه دار میگردد لذا در مقایسه دو مقوله ارزش و نیاز مقوله نیاز در الویت اول قرار دارد. با این رویگرد اگر نیازهای افراد یک جامعه برطرف نشود انتظار ارزشمند بودن انسانها در آن جامعه منطقی نیست.

راهکار چیست؟

بر میگردیم بر سوالهای بخش اول، همه این سوالها ریشه در نیاز افراد دارند چه راهکار هایی لازم است که این نیازها موجه جلوه کنند. چرا برخی با وجود نیازمند بودن هنوز ارزش خود را حفظ کرده اند؟ چرا برخی در صورتیکه هیچ گونه نیاز ندارند در حالیکه برای خود و دیگران ارزشی قائل نیستد؟

نیاز سنجی یکی از شاخص‌های اولیه جوامع بشری است. در نیاز سنجی جوامع، مراحل نیازها الویت بندی میگردد و برای برنامه ریزان آن جامعه مشخص میکند که ضرورت رسیدگی کدام نیازها از اهمیت بالایی برخوردار میباشد. بنا براین برای برطرف کردن نیازهای افراد باید نیازسپنجی صورت پذیرد.

اگر در نیاز سنجی یک جامعه مشخص شود که نیاز اولیه افراد تهیه غذا است در این حالت، برنامه ریزی برای مطالعه کتاب، کار منطقی تلقی نخواهد شد و هیچ گونه تاثیری را برای ارزشمند شدن شان و مقام انسانها نخواهد داشت. بدین معنی برای ارزش دهی به مقام انسانها باید بر نیاز سنجی اهمیت داده شود.

برای رسیدن به حفظ ارزش مقام انسانی برنامه ریزان میتوانند اطلاعات علمی را برای برطرف کردن نیازهای واقعی یک جامعه بکار ببندند. در آن صورت از هدر رفت منابع پیشگیری به عمل آمده و ارزش انسانی، حالت صعودی به خود خواهد گرفت.

نتیجه بحث

بحث نیاز و ارزش انسانی مقوله‌ای دو روی یک سکه هستند شاید بتوان گفت با داشتن نیازهای حل نشده نمی توان به والاترین درجه و شان اسانیت دست یافت.

برای بیشتر افراد جامعه، نیاز (اولیه و نیازها ی بعدی) در الویت میباشد. افراد در جامعه با نیازهای فراوانی روبرو میشوند مزید بر اینکه هر روز بر این نیازها اضافه میشود. فرهنگها، الگوههای فرهنگی، تاخر فرهنگی، چشم به هم چشمی افراد و خانواده‌ها و... در تعیین این نیازها تاثیر بسیاری دارند.

عدم برطرف شدن نیازها بر بیشتر رفتار فردی افراد جامعه تاثیر مستقیم دارد. در صورتیکه این نیازها برطرف نشود ارتباطات منفی بین فردی، عدم تحمل یکدیگر، عدم گذشت، انسجام اجتماعی و عدم سرمایه‌های اجتماعی به چشم خواهد خورد.

بیشترین آسیبهای اجتماعی از عدم برطرف شدن نیازهای (اولیه، آموزشی و...) افراد جامعه نشات میگیرند. برای اینکه جامعه‌ای از بحران آسیبها بکاهد باید برای برطرف شدن نیازهای افراد جامعه اش تلاش و برنامه ریزی نماید.

هزینه هایی که از بابت این آسیبها برای دولتهای جوامع تحمیل میکنند خیلی بالاتر از آن درصدی است که برای رفاه و تفریح‌های سالم افراد همان جوامع لحاظ میکنند و...

لذا اگر ما بخواهیم روی ارزش و شان انسانها تمرکز کنیم و برای حفظ آن تلاش کنیم باید در درجه اول بر نیازهای افراد بیا ندیشیم. چرا که برای تشخیص مشکل خدشه دار شدن شان و ارزش انسانها، راز پنهانی بنام ناکامی افراد در رابطه با نیازها خفته است و اگر بر این امر واقف بشویم میتوان ادعا کرد که بر ارزش و شان انسانها اهمیت داده شده است. نهایتا" همه قشرهای جوامع دارای ارزش و منزلت و مقام انسانی هستند لیکن رویکرد ما آن جامعه ایدالی که دورنمایی برای رسیدن از حالت فعلی و وضعیت موجود میباشد. لذا هدف از این گفتمان، بیشتر توسعه و ارتقائ ارزش و مقام انسانهاست چرا که خداوند میفرماید بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. به امید رشد و شکوفایی تمام انسانها برای رسیدن به کمال انسانیت که

همان خلیفه الهی میباشد.

بهروز علائی

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی و آزادسازی صداهای سرکوب شده

یکی از روزهای معتدل زمستانی است. بعد از مدتها مجبور شدم در ساعت اداری به مرکز شهر بروم بدون وسیله نقیله. معمولا اینگونه نیست در این ساعات از روز در پشت میزم پیگیر برنامه‌ها و کارهای اداری هستم یا حضور در جلسات و بازدیدهای میدانی. اما انگار فرصتی پیش آمده برای مشاهده و مکاشفه.

افراد مختلف در آمد و شد هستند دستفروشی در حال چانه زنی برای فروش محصول خود، زنی پریشان حال در جستجوی آدرس دادگاه خانواده، کودکی با پاهای کوچک و دستهای کشیده شده در تلاش مثال زدنی برای همگام شدن با مادر و همراهی که غرق در صحبت خود هستند، دختری با معلولیت سی پی در حال جدال با سنگفرش تخریب شده و برآمده پیاده رو برای عبور ویلچر همراهش که مرد تنومندی را حمل می‌کند، مغازه داری که محدوده مغازه خود را آب و جارو می‌کند و به آمد وشد در محیط پیرامون خود بی تفاوت است، مأمور شهرداری که در سردر شهرداری به حالت خبردار ایستاده و با نگاهی عمیق و

فکورانه غرق در افکار خود است، راننده تاکسی ای که برای شکار مسافر در تلاشی شورانگیز است و زیر چشمی ماشین گشت ویژه تاکسی رانی را که ۵۰۰ متر عقب تر توقف کرده می‌پاید و با حرکت ماشین گشت بی محابا پشت فرمان می‌جهد و زن سالمندی را که با طمأنینه در حال سوار شدن است برجای میخکوب می کند و سربازی که در تلاش است تا در حضور فرمانده خود در پشت تنها چراغ قرمز عابر پیاده شهر، که مردم به زور سرباز و افسر مجبور به رعایت آن هستند، اجازه عبور به هیچ خاطی و رندی را ندهد و موجی از انسانهایی از هر طرف به سوی مقصد خود روانند و هر یک گویی افکاری در سر دارند.

پوستر جدید فدراسیون جهانی مددکاری اجتماعی که به همت یکی از همکاران مددکار اجتماعی ترجمه و معرفی شده – آقای طلسچی ـ جلوی چشمم می‌آید یکی از پلاکاردها با مضمون " آزادسازی صداهای سرکوب شده" در ذهنم نقش می‌بندد. به چهره های عمدتا عبوس و فکور و کمتر بشاش اطرافم، نگاه می کنم و از خود می‌پرسم چه صداهایی در نهاد این افراد سرکوب شده است ؟ چرا، توسط چه کسی یا کسانی، چه زمانی و مهم تر از همه چگونه می‌توان از سرکوب این صداها جلوگیری کرد؟!

یکی از وظایف مددکاران اجتماعی ایجاد استقلال طلبی برای مخاطبین و مراجعین خود است. در واقع نمی توان نقش تاثیرگذار مددکاران اجتماعی را در آگاهسازی وتنویر افکار عمومی نادیده گرفت و از آنجائیکه مددکاران اجتماعی بر اساس اصول ششگانه خود با رعایت اصل پذیرش و بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، جنسیتی، مذهبی، ملیت و طبقه اجتماعی مراجعین را می‌پذیرند و بر اساس اصل فردیت قائل شدن به تفاوت‌های فردی افراد توجه می‌نمایند و با تکیه بر اصول رازداری حرفه‌ای و ارتباط حرفه‌ای ضمن رعایت اصل امانتداری، با برقراری رابطه منطقی و اصولی به مراجعین خود خدمت خواهند نمود و اصول مشارکت مراجعه و خود شناسی مددکار اجتماعی، فارغ از دیدگاه‌های سیاسی و در راستای مأموریت و خط مشی‌های قانون اساسی کشور خود فعالیت می‌نمایند، می‌توانند به عنوان افرادی امین و متخصص در خدمت دولتها و مردم باشند. دولتمردان و سیاستگذاران با اطمینان

و خاطری آسوده می‌توانند با تکیه بر توانمندی و مهارتهای مددکاران اجتماعی صداهای کم رمق درخودفرورفته را شناسایی کنند و بدین ترتیب مددکاران اجتماعی پل ارتباطی باشند برای معرفی آنان به تئوریسین‌ها و برنامه ریزان توسعه رفاه اجتماعی.

از منظر اجتماعی و بر اساس میزان توسعه یافتگی، پایبند بودن به اصول والای انسانی و همکاری و تبعیت از سازمانهای بین المللی می‌توان میزان شیوع و گستردگی صداهای سرکوب شده را شناسایی کرد و فارغ از مبحث توسعه یافتگی، به میزان تعهد اجتماعی، احساس همدلی و رعایت و التزام به حقوق شهروندی که نقش موثری در شناسایی این مهم خواهد داشت می‌توان اشاره داشت. از آن جمله می‌توان به کودکی که در خانواده مقتدرانه زندگی می‌کند، معلمی که تحت تاثیر قوانین سخت گیرانه ایدئولوژیکی و نژاد پرستانه امکان تعلیم آزادگی و آزاد اندیشی را به شاگردانش ندارد، همسری که تحت سلطه شریک زندگیش صدا را در گلو خفه کرده و سختترین آزارها را تحمل می‌کند، شهروندی که به دلیل فساد اداری و رفاقت بازی احساس درماندگی می‌کند، ندای ملتی که تحت سیطره زورگویان و استثمارگران ابرقدرتها زیر سقف شیشه‌ای مستتر می‌گردد، مثالهایی از این دست هستند.

در برخی از جوامع گروههایی جدی گرفته نشده و حساسیت کافی را در جامعه بر نمی انگیزند (فقرا، سالمندان، بیماران صعب العلاج، بی سرپرستان و بدسرپرستان و کودک کار و خیابان و...) و هر یک نیازهای سرکوب شده و انباشته شده‌ای دارند که بدون پاسخ باقی مانده است. چنانچه به دنبال چرایی سرکوب صدا باشیم فقط و فقط باید جواب آن را در سیاستگذاری‌ها و میزان تعهد نمایندگان حقوقی و قانونی مردم و درجه مطالبه گرایی آحاد جامعه جستجو کرد

برای شنیدن صداهای سرکوب شده در کجای این کره خاکی قرار داریم ؟ آنچه که بدیهی است از زمان عقب هستیم. پیشرفت‌های چشمگیر در موضوع ارتباطات و فناوری‌های نوین بیش از پیش انسانها را فردگرا و درخودمانده نموده در حالیکه در همه جوامع پیشرفته و

در حال توسعه، شناسایی نیازهای انسانی و پرداختن به آن زمینه ساز رشد و تعالی و رسیدن به درجات مختلف کمال است.

سازمان جهانی بهداشت و یونسکو همه سالها با نام گذاری سال‌ها به تدوین برنامه و راهکارهای عملی برای تحقق موضوعات مربوطه می‌پردازد موضوعاتی همچون مناسب سازی، سالمندان، ارتباطات، کیفیت زندگی و.... مددکاران اجتماعی در تمام دنیا دارای میثاق یگانه ای هستند و در کلیات قضیه همگی دارای اصولی انسانی و مورد وثوق کلیه دولتمردان البته با اختیارات متفاوت می‌باشند. یک مددکار اجتماعی در مواجهه با مخاطب خود درهر نقطه از کره خاکی از افریقا تا آمریکا،از آسیا تا اروپا، از کشوری ایدئولوژیک تا دموکراتیک دارای اصول مشترکی است و در خصوص افراد جامعه خود بدون قضاوت و پیشداوری خدمت ارائه می‌دهد و بر اساس قوانین کشور تابعه خود کار می‌کند و بنوعی مصلح اجتماعی است. لذا فرصتی فراهم شده تا به مناسبت روز جهانی مددکاری اجتماعی در سوم مارس با پرداختن به موضوعی مشخص و جهان شمول، مددکاران اجتماعی، دولتمردان و سازمانهای مردم نهاد را در اشاعه خدمات تخصصی اجتماعی هم پیمان نمود. امید آنکه وقت را مغتنم شمرده و جامعه مددکاران اجتماعی در دنیا بر اساس پروتکلی واحد (در کلیات) و بومی سازی آن در جوامع مختلف به رهایی انسان‌ها و کمک به آنان گام بردارند. امید آنکه دست اندرکاران سازمان با امعان نظر به شعارهای تهیه شده در پوستر و با تکیه بر دانش و مهارت مددکاران اجتماعی هوشمندانه به تدوین برنامه جامع و همه گیر بپردازند و دولت‌ها و سازمانهای غیردولتی با محوریت بخشیدن به موضوع تعیین شده برنامه خود را تنظیم نمایند.

****

چه کسی می‌خواهد
من و تو ما نشویم
خانه اش ویران باد!
من اگر ما نشوم، تنهایم
تو اگر ما نشوی، خویشتنی
من اگر برخیزم
تو اگر برخیزی
همه بر می‌خیزند
من اگر بنشینم
تو اگر بنشینی
چه کسی برخیزد؟
سینه ام آینه است
با غباری از غم
تو با لبخندی از این آینه بزدای غبار

شعر از حمید مصدق

کبری راد
مددکار اجتماعی
گیلان رشت بهمن ۱۳۹۳

مددکاری اجتماعی در پی شأن و مقام انسانها

مددکاری اجتماعی رشته‌ای بسیار وسیع و گسترده می‌باشد، که با طیف وسیعی از مسایل گوناگون بشری در ارتباط می‌باشد، مسایلی همچون ارتقای کیفیت زندگی انسانها، آموزش و توانمند سازی افراد و...، به طور کلی یکی از اهداف مددکاری اجتماعی دستیابی افراد جامعه به سطح مطلوبی از توسعه انسانی میباشد.

مشخصه‌های بنیادین توسعه انسانی شامل: هدایت جامعه به سوی بهره مند شدن افراد از زندگی، با امید زندگی طولانی تر و سلامتی بیشتر، برخوردارای آحاد جامعه از دانش و آگاهی بیشتر (به عنوان مثال دستیابی به سطوح بالاتری از تحصیلات)، دستیابی بهینه افراد جامعه به خدمات اجتماعی مورد نیاز برای نائل شدن به سطحی استاندارد از کیفیت زندگی میباشد. هنگامیکه این شاخص‌ها به گونه مطلوبی پیگیری می‌شوند عدالت به معنای واقعی آن در جامعه تأمین میگردد. زیرا از یک طرف زیرساخت‌های اجتماعی –اقتصادی مناسبی در جامعه برای تمامی افراد ایجاد گشته است که آنان با بهره مندی گسترده و همه جانبه از این زیرساخت‌ها میتوانند کیفیت زندگی خود را ارتقا بخشند و از طرف دیگر با افزایش دانش و

مهارت‌های خود بی تردید توانمندی هایشان را افزایش میدهند و به آنچه کـه دانـایی نامیـده می‌شود دست پیدا می‌کنند. دانایی هدفی که در قرن بیست ویکم مسلماً یکی از پایه‌ای تـرین و اساسی ترین اهداف بشری می‌باشد و جوامع به طور گسترده‌ای در تلاش برای رسـیدن بـه آن هستند.

عدالت واقعی در این مفاهیم خلاصه میگردد. عدالتی که پیگیری آن شأن و مقام انسـانها را گسترش میدهد. عدالت همانا ایجاد این زیرساخت‌ها به طور گسترده است. تنها در این حالت است که انسان ترقی پیدا میکند. عدالت، دادن فرصت به افـراد نیسـت زیـرا ممکـن اسـت توانایی‌های افراد با این فرصت تطبیق نداشته باشـد بلکـه عـدالت ایجـاد فرصـت گسـترش توانمندی‌ها و مهارت هاست زیرا فردی که توانمند گشته است بی تردید در پـی افـزایش و ارتقای شأن و مقام خود بر می‌آید آنگاه است که نه تنها از کوچکترین فرصـت‌هـا اسـتفاده میکند بلکه خود فرصت سازی نیز میکند و بدین ترتیب موجبات ایجاد فرصت برای دیگران نیز می‌گردد.

مفاهیم بیان شده تنها و تنها از طریق به کارگیری یک مهم برآورده می‌گردنـد و آن هـم چیزی نیست جز به کارگیری گسترده طرح‌ها و پروژه‌های اجتماع محور، آنچه که مهمترین وظیفه مددکاران و مشاوران اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌باشد.

مهدی فلاحی

مددکار اجتماعی

روز جهانی مددکاری اجتماعی و آزاد سازی صداهای سرکوب‌شده

یکی از عوامل مؤثر بر فرایند توسعه و رفاه جامعه میتواند تنوع و تعداد سیستم‌های ارایه دهنده خدمات اجتماعی و نرخ بهره مندی مردم و شهروندان از سرویس‌های ویژه اجتماعی با نام کلینیک‌های مددکاری اجتماعی باشد. این سیستم‌ها که در بدنه اجتماع و مولود سازمانهای دولتی هستند میتوانند نیازهای پاسخ داده نشده گروههای مختلف بخصوص جامعه هدف این سازمانها را برآورده و ضعف کارکردی آنها را تا حدی بپوشانند درکشور ما با گذشت زمان و افزایش جمعیت و نیز محدود بودن منابع کشور برای پاسخ به توقعات و نیازهای ناشی از تغییر سبک زندگی از یکسو و افزایش مشکلات و چالش‌های فراروی مردم و فقدان مهارتهای لازم برای مقابله و رویارویی با این چالشها و از سوی دیگر ناتوانی دولتها را در رفع این مسائل بیشترکرده و نیاز به افزایش تعداد کلینیکهای مددکاری اجتماعی متخصص برای پاسخ به نیازهایشان بیشتر احساس می‌شود.

مددکاران اجتماعی میتوانند ایجاد کننده شرایطی باشند که درآن مشکلات اجتماعی بوسیله خود مردم حل شود فرایندی که مددکاران اجتماعی با استفاده از مدل جامعه‌ای تحریک گروه‌ها و تشریک مساعی بین آنها، تقویت و توسعه پایه‌های دموکراسی درجامعه و محلات شهری و روستایی، ایجاد اعتماد به نفس در سطوح فردی و تربیت شهروندانی فعال و مطالبه گر و ازدیاد رهبران بومی و محلی و در نهایت افزایش توانمندی جامعه گردند.

مددکاران اجتماعی که به مردم کمک می‌کند تا به سطح بالاتری از ظرفیت و توان انجام امور مختلف دست یابند واز طرف دیگر باعث افزایش توانایی اثرگذاری افراد بر مسائل مهم زندگی شخصی و اجتماعیشان شوند. با توجه به سوابق تأسیس بیش از ۱۲ سال کلینیکهای مددکاری توسط مددکاران اجتماعی در کشور، تجارب و ظرفیتهای متعدد و در مواردی گمنام و کشف نشده در بین کلینیکهای کشور و در سطح مناطق و محلات وجود دارند که شناسایی و توانمندسازی و هدایت آنها می‌تواند در جهت کاهش آسیبهای اجتماعی، ایجاد ظرفیت تخصصی اجتماعی و شبکه اجتماعی مؤثر باشد، بنابراین ضرورت دارد تا با توجه به نیازهای اجتماعی مردم بعنوان شهروندانی مطالبه گر از جمله نیاز به آموزش، مداخلات هدفمند زمینه سازی‌های لازم جهت دستیابی به زمینه‌های شکوفایی شهروندان و پیشگیری اولیه با استفاده از مطالعات علمی و کاربردی مبتنی بر تجربیات دست اندرکاران و فعالین حوزه مددکاری اجتماعی صورت گیرد.

این برنامه موجب ارتقای سطح سلامت عمومی وکاهش درمان وکاهش آسیب در سطوح بعدی خواهد شد.

آزادسازی بر اساس تعریف فیترمن (۲۰۰۵) عملی ناشی از آزاد بودن یا آزادی افراد از نقش‌ها ومحدودیت‌های گذشته و آزاد شدن از انتظارات و نقشهای جا افتاده موجود افراد می‌باشد و به یافتن فرصت‌های جدید، دیدن منابع موجود در یک چشم انداز روشن جدید و باز تعریف نقش‌ها و هویت‌های جدید برای مردم توسط خودشان منجر می‌گردد. هدف از آزاد سازی مطالبه حقوق شهروندی و تربیت شهروندانی است که وظایف خود را

بدین علت که هم به آن اعتقاد دارند و هم از آن لذت می‌برند انجام می‌دهند و مسئولیت بهبود شرایط و وظایف روزانه خود را پذیرفته اند. بنابراین این به عهده خود فرد است که شرایط خویش را بهتر، غنی تر و رضایت بخش تر سازد. در استراتژی مدیریت سازمانی اگر توانمندسازی مددکاران اجتماعی بعنوان سرمایه‌های انسانی موثر در برنامه ریزیها، مداخلات و سیاست گزاریها دیده نشوند سایرسرمایه‌ها نیز ابتر مانده و کم بازده می‌شوند. اینجاست که مددکاران اجتماعی با استفاده از تکنیک‌های آشکارسازی برنامه‌ها اقداماتی را که منجر به آگاهسازی، روشنگری و ایجاد انگیزه در میان اعضای جامعه هدف برای همراهی با دیگر عوامل برنامه میشود انجام خواهند داد.

مددکاران اجتماعی در فرایند مداخلات تجربیات خود را در اختیار مردم قرار می‌دهد. این تجربیات، چشم اندازهای متفاوتی را برای مردم باز می کند که باعث پویایی جامعه و بهبود برنامه می‌شود.

آزاد سازی در مددکاری اجتماعی منجربه آزاد سازی صداهای سرکوب شده و آگاهی سیاسی و مشارکت میشود و همزمان بافعالیت شهروندان درانجمن ها، آنها شروع به تغییر نهادها و محیط پیرامون خود می‌نمایند. همکاری و مشارکت آنها بیشتر شده و سرمایهٔ اجتماعیشان افزایش می یابد.

درکشور شاهد کاهش مشهود دراغلب مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی اعم از روابط اجتماعی واعتمادعمومی، شبکه‌های اجتماعی محلی، امید به آینده، انگیزه‌های اجتماعی، مسئولیت اجتماعی درافراد و مانند اینها هستیم. درنظام برنامه ریزی توسعه برای یک منطقه مشخص، توجه و تأکید به مقوله سرمایهٔ اجتماعی یکی ازنکته‌های اساسی است، زیرا برنامه توسعه‌ای بدون حضور و مشارکت ساکنان جامعه محلی موفق نخواهد بود. از این رو مهم است باور داشته باشیم که سرمایهٔ اجتماعی عامل اصلی ایجاد همبستگی و علاقه جمعی بین افراد جامعه است و موتور محرکه انواع جریانهای فعال اجتماعی در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

راهبرد اساسی استفاده از ظرفیت ۳۵۰ کلینیک مددکاری اجتماعی و ۲۱ کانون استانی

مراکز مددکاری در مداخلات محلی و منطقه‌ای و کشوری می‌باشد.

مهری فتایی
مددکار اجتماعی

احترام به عقاید و ارزشمند شمردن تفاوتها

دنیای امروز، عصر تقارب تفاوتهاست. عواملی مانند فراگیرشدن رسانه ها، رشد سریع ارتباطات و مهاجرت باعث شده اند انسان هایی با پس زمینه‌های فرهنگی، نژادی، مذهبی و اعتقادی گوناگون در کنار یکدیگر قرار بگیرند. بسته به نحوه برخورد ما انسانها با این پدیده، این همجواری می‌تواند رنگین کمان زیبایی از تفاوتها را در کنار هم شکل دهد یا آشفته بازاری از تعارضات را ایجاد کند.

امروزه به راحتی می‌توانیم این تقارب تفاوتها را در جامعه مشاهده کنیم. به طور مثال همسایگانی که هر کدام متعلق به یک شهر و فرهنگ هستند یا دانشجویانی که هرکدام اهل منطقه خاصی از کشور هستند و در کلاسها یا خوابگاهها با یکدیگر تحصیل و زندگی می‌کنند یا کارگرانی که برخی ایرانی و برخی افغان هستند و بر روی یک پروژه مشترک کار می‌کنند.

حتی دامنه این تفاوتها به داخل خانواده‌ها نیز کشیده شده و به طور مثال شاهد خانواده

هایی هستیم که در آنها پدر، مادر و فرزندان هرکدام طرفدار یکی از تیم‌های مطرح ایرانی یا خارجی هستند یا زوجینی که هرکدام از شهر یا قومیت جداگانه‌ای با یکدیگر ازدواج کرده اند یا طرفدار دیدگاههای مختلف سیاسی هستند.

تا کنون چند بار دیده یا شنیده ایم فردی به خاطر پس زمینه فرهنگی، نژاد، اعتقادات مذهبی یا حتی عقاید ورزشی در جمعی منزوی یا طرد شود؟ و یا روابطی به خاطر غلبه ی این مسائل سرد و خصمانه گردد؟

در قرآن کریم خداوند مومنان را حتی از توهین به مقدسات کافران باز می‌دارد چرا که این کار باعث بی حرمتی متقابل آنها به مقدسات مومنان خواهد شد. **» وَلاَ تَسُبُّواْ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَيَسُبُّواْ اللّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... «**

و آنها را که کفار به جای خدا می‌خوانند (مانند بت‌ها و اجنّه) دشنام ندهید که آنها نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند. (سوره انعام آیه ۱۰۸)

در سال ۵۳۸ قبل از میلاد و پس از فتح بابل به دست ایرانیان، منشور کورش نیز تفاوتها را محترم شمرد. در بند دوم استوانه کورش آمده است: هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایزی به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، همچنین منشاء ملی یا اجتماعی ثروت و ولادت یا وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.

یکی از اصول مددکاری اجتماعی، اصل پذیرش است. مطابق این اصل مددکاران اجتماعی لازم است افراد را فارغ از نژاد، عقاید و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، همانطور که هستند، با گشاده رویی و احترام بپذیرند و با واکنشهای مناسب کلامی و غیر کلامی و همدلی عمیق با آنها ارتباط برقرار کنند.

مددکاران اجتماعی با پیروی از این اصل حتی در صورت داشتن تجربیات منفی یا پس زمینه فردی مخالف مراجع خود، با بی طرفی و عدم قضاوت و پیش داوری به ایشان می‌نگرند.

عمل به این اصل مهم مددکاری اجتماعی موجب ایجاد رابطه‌ای سرشار از اعتماد بین مراجع و مددکار اجتماعی می‌شود و نتیجه ی عینی آن ایجاد امنیتی بی مانند برای مددکار اجتماعی حتی در بین گروههای بزهکار و ناهنجار می‌باشد بارها شاهد بوده ایم در محله‌های جرم خیز و پرخطر مددکاران اجتماعی به راحتی تردد می کنند یا در بند هایی از زندانها که مأمورین انتظامی با اسلحه و تدابیر امنیتی تردد می کنند، مددکارانی هستند که به سهولت و بدون انجام این ملاحظات مداخله و فعالیت می کنند.

تصور کنیم شهروندان جامعه نیز به پذیرش یکدیگر بپردازند، به عقاید یکدیگر احترام بگذارند و تفاوتهای موجود در میانشان را بپذیرند. در این صورت شاهد جامعه‌ای مملو از اعتماد و امنیت خواهیم بود.

حامد علمایی

مددکار اجتماعی

...فقط اگر انسان ارجمند بود

هرچند مفلسم نپذیرم عقیق خرد کان عقیق نادر ارزانم آرزوست. (دیوان شمس)

نه پیام یک سال و یک سازمان و یک حرفه و افراد حرفه ایش، بلکه پیغام دیـروز و امـروز جمله رسولان و منادیان سعادت همین بوده: نیک پویی و نیک پایی. همه سفارش کـرده انـد که نیک باشید و نیکی بجویید و نیکمرامی را بپایید. از گذشتگان دیرین تا پیـام آوران الهـی همه سودایشان همین بوده و هست که نیکو کلام و نیکو کردار و نیکوپندار باشید. قرآن هم که به صراحت نسل انسان را "عیال الله" خوانده و بی قید و شرط عنوان کرده که "لقد کرمنا بنی آدم...". اینها همه نشانی یک واقعیت اند. انسان مکرم (ارجمند) است.

چقدر دوست داشتیم که بگوییم مردم ایران و جهان ارجمندنـد. چقـدر آرزو داشـتیم کـه مطمئن باشیم که قدر و ارزش آدمهای این سرزمین به انسان بودن آنهاست. چقـدر دلمـان می‌خواست سینه مان را سپر کنیم و با خیال راحت بگوییم شأن انسانها شأن بالذاته اسـت نـه شأن کسوت و شهرت. اما...

نه در سرزمین ما که در کل کره خاکی هرکه چنین ادعایی کند فقط گزافه گویی کـرده

است.

انسان امروز نمی داند که مکرم است. باور ندارد که مکرم است. انسان اگر مکرم باشد زیربار زور نمی رود. انسان اگر مکرم باشد خود را به زر نمی فروشد. انسان اگر مکرم باشد دروغ (ولو به سراب مصلحت) نمی گوید. انسان اگر مکرم باشد به خود و دیگری خسارت نمی زند. انسان اگر مکرم باشد به هر کیفیتی زندگی نمی کند و با هر فضایی نمی سازد. انسان اگر بداند و باور کند که مکرم است هم اظهار عقیده می‌کند، هم از عقیده خود دفاع می‌کند و هم عقاید دیگران را می‌شنود. اصلا انسان اگر مکرم باشد دائما شاد زندگی می‌کند.

انسان اگر مکرم باشد مدام با خود تکرار می‌کند و فریاد می‌زند که "من ارجمندم...!". من ارجمندم هرچند فقیر باشم. ارجمندم هرچند فرصت درس خواندن نداشته باشم. ارجمندم هرچند از والدینی معتاد پدید آمده باشم. ارجمندم هرچند سیاه یا سرخ یا زرد یا سفید باشم. ارجمندم هرچند که ارباب نعمت نباشم. ارجمندم و ارجمندی من به شعور من است. ارجمندی من به اندیشه من است و من همه اندیشه ام. ارجمندم چون می‌اندیشم. ارجمندم چون بشرم. انسانم. به همین یک دلیل که انسانم پس حق دارم. انسانم پس حق زندگی دارم. انسانم پس حق اظهار نظر دارم. انسانم پس حق برخورداری از فرصتهای برابر دارم. انسانم پس باید به من احترام گذاشته شود و احترام من نه از صدقه سر لباس و مدرک و پول که صرفا به دلیل انسان بودنم و از سر ارجمند بودنم است. ارجمند بودن یک سد سراسری است برای هر نوع بزه دیدگی و بزه پیشگی. کسی که شأن و ارج خود را بداند حقوق کسی را نمی بلعد. کسی که ارج خود را بداند پرده دری نمی کند.

کسی که ارج خود را بداند اشتباهات خود را می‌بیند و خود را و دیگران را می‌بخشد و مسئولیت اشتباهاتش را هم می‌پذیرد. کسی که ارج خود را بداند برای یک لحظه شادتر بودن همه دودمانش را به باد نمی دهد.

به نظر من مددکاران اجتماعی یک مأموریت بیشتر ندارند. به خود و به کسانی که مأموریت مساعدت یا نجاتشان را دارند تذکر بدهند که آنها مکرم اند. مدام برایشان تکرار

کنند که آنها ارجمندند. نه برای مکنت یا مسکنتشان، نه برای سلامت یا بیماریشان، نه برای شهرنشینی یا روستانشینی یا حاشیه نشینی شان، نه برای کارمند یا کارگر یا کارجو بودنشان نه برای کودک یا پیربودنشان. فقط به یک دلیل: برای انسان بودنشان.

انسان اگر قدر و قیمتش را بداند حتی مراقب مراقبینش هم هست و از آنها هم قدردانی می‌کند. چنین انسانی می‌داند که قیمتی است. انسان قیمتی مراقب خانواده اش هست. مراقب جامعه اش هست. مراقب دولتمردان هست. مراقب خبرنگاران هست. مراقب پزشکان هست. مراقب سپوران و شهرداران هست. مراقب همه مددکاران هست. انسان قیمتی سوال می‌پرسد و منتظر پاسخ سوالش می‌ماند. انسان قیمتی وجود و زیست خود را مدام می‌پاید اما زیر وبم زندگانی دیگران را زیرورو نمی کند. انسان قیمتی به هر قیمتی برتری مادی را نمی جوید. انسان قیمتی اصلا دنیای فانی را جستجو نمی کند. انسان قیمتی می‌گوید که من ماهیم نهنگم عمانم آرزوست... انسان قیمتی می‌گوید که :

هرچند مفلسم نپذیرم عقیق خرد / کان عقیق نادر ارزانم آرزوست...

عباسعلی یزدانی
مددکار اجتماعی

به بهانه روز جهانی مددکاری اجتماعی؛ سهم ایران در تولید دانش مددکاری اجتماعی در جهان چقدر است؟

مناسبت‌های مختلف می‌توانند فرصتی باشند تا افراد، دستگاه‌ها و ... مرتبط ضمن بیان اقدامات خود در حوزه های مختلف، ارزیابی از جایگاه و سهم خود نیز داشته باشند. یکی از این مناسبت‌ها « روز جهانی مددکاری اجتماعی» مصادف با ۱۸ مارس، مصادف با ۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۳ است. در سال جاری تعدادی از کارشناسان اقدام به نوشتن یاداشت هایی به این مناسبت کردند که ارزشمند است. اما من قصد دارم در این یادداشت کوتاه فقط سئوالی طرح کنم و آن این که سهم جامعه علمی ایران در تولید دانش مددکاری اجتماعی در جهان چقدر است؟

آنچه که در این زمینه می‌توان گفت این است که در حال حاضر بیشترین منابع علمی ما ترجمه کتاب هایی است که در کشورهای دیگر تولید می‌شود.

حضور مددکاران اجتماعی ایران در مجامع علمی دنیا چقدر است؟

چقدر این حضور تاثیر گذار است؟

چقدر تولید دانش روز مددکاری اجتماعی جهان متعلق به اساتید دانشگاه‌های ایران

است؟

چه تعداد همایش‌های بین المللی مددکاری اجتماعی توسط دانشگاه هایی که در رشته مددکاری اجتماعی در ایران دانشجو تربیت می‌کنند برگزار شده است؟

چه تعداد کتاب‌های نوشته شده در ایران به عنوان مرجع مددکاری اجتماعی محسوب می‌شوند؟

در طول این سال‌ها سهم مددکاران اجتماعی ایران در برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مدیران و کارشناسان کشورهای دیگر چقدر بود؟

چه تعداد پژوهش‌های بین المللی توسط اساتید و کارشناسان مددکاری اجتماعی انجام شده که به عنوان مرجع به آنها استنادشده باشد؟

و...

غرض این نیست که کسی یا دانشگاهی زیر سئوال برده شود.هدف این است که کمی در باره این سئوال تأمل کنیم. من هم باید تأمل کنم چون من هم یکی از همین مددکاران اجتماعی هستم.

سید حسن موسوی چلک

رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

آسیب اجتماعی مقدم بر مسأله اجتماعی

آسیب اجتماعی به طرق مختلف تعریف میشود و گاهی آن را با رفتار خلاف قانون، اخلاق یا رفتاری که به زیان جامعه تمام میشود برابر دانسته اند، نوعی انحراف. تعریف ساده آسیب همانی است که وجودش خط تعادل زندگی را بهم میریزد از منظر اجتماعی مادامی که محیط اطراف مردم را مسائلی احاطه میکند که نه تنها آنان را راضی نگه نمیدارد بلکه موجبات خشم و عصبانیت آنان می‌شود و شرایط بروز آن بصورت قانونی محدود می‌شود، گروه‌های انسانی به این باور می‌رسند که برای تغییر شرایط موجود باید به اقدامی دست بزنند که بخش قابل توجهی از این اقدامات بسترهای انحراف را فراهم می‌سازد و آسیب ظهور می کند.

ارتباط تنگاتنگ مسأله اجتماعی و آسیب اجتماعی انکار ناپذیر است و هر کدام میتواند مولد دیگری باشد در حال حاضر سرعت آسیب آنقدر بالا است که قبل از اینکه به عنوان یک مسأله اجتماعی دیده شود و به آن پرداخته شود این آسیب شکل گرفته و نمایان شده است و متخصصین اجتماعی را غافلگیر می کند.

آسیب در عین حال که پیچیدگی‌های خودش را دارد اما در حوزه پیشگیری می‌توان آن

را پیش بینی کرد تا جامعه دچار بهت و شوک نشود که در بسیاری از موارد نیز برای نپرداختن به آن جامعه حتی به کما می‌رود اینجا ایستگاه هشدار است.

برای اینکه کشوری قادر باشد خط تعادل را حفظ نماید میبایست تعریف مدون و نظم یافته‌ای از آنچه را آسیب می‌نامد توصیف و ترسیم کند، جامعه ناتوان از این مهارت می‌بایست در انتظار افزایش بزه و جرم باشد زیرا آنچه که می کارید، درو می کنید.

قدرت آسیب‌های اجتماعی را نباید دست کم گرفت، مجموع عواملی باعث بروز آسیب می‌شود و ساده انگاشتن آن باعث بحران‌های متعدد می‌شود و این به نفع هیچکس نیست تغییر معنایی و رنگ باختن الگوهای گذشته، بستر بزه میشود.

سیاست مداران و قانون گذاران میبایست تکلیف خود را با بار معنایی واژه‌ها و تفاوت مفهومی آنچه را آنان جرم مینامند با مردمی که آن را خلاف نمیدانند، مشخص کنند تا به نزدیکتر شدن دولت و مردم بیانجامد.

بجای انکار واقعیات بهتر است به آن پرداخت " نوش دارو بعد از مرگ سهراب "

کمرنگ شدن احساس همدردی بین همنوعان، رنگ باختن انگیزه ها، شادی‌های سطحی، مناسبات اجتماعی که بر پایه منافع شخصی استوار میشود، نپذیرفتن مسئولیت در برابر حقوق دیگران، نداشتن چشم انداز عقلایی مسوولین یک جامعه در سرنوشت آینده مردم، تغییر مفاهیم از جمله کلاهبرداری را زرنگی دانستن و... بتدریج جامعه را از درون تهی میکند. امروز جامعه چیزی را فریاد میزند که گوشی برایش نیست تا شنیده شود.

مریم پرمحمدی آذر
مدیریت کلینیک مددکاری اجتماعی طلوع سبز

ضرورت تغییرات بنیادین در مددکاری اجتماعی

آیا بعد از گذر نیم قرن از عمر مددکاری اجتماعی در ایران، نیازی به تغییر در کم و کیف آن احساس می‌شود؟

آیا اگر دست به تغییرات بزنیم بمعنای نادیده گرفتن تمام زحمات و تلاشهای شبانه روزی اساتید و مددکاران اجتماعی این کشور است؟

آیا این تغییرات بمعنای بدعت، تحریف و ظهور پیامبران جدید می‌باشد؟!

معتقدم که بنا به دلایلی که مختصر می‌آید و پیشتر توسط اساتید گفته یا نوشته شده، ضرورت تغییرات ماهوی در علم و حرفه مددکاری اجتماعی کشور نه تنها احساس می‌شود، بلکه در حد یک دیالیز اجتماعی است! می‌بایست از فیلترهای اصلاحی و علمی جدید که متناسب با تغییرات اجتماعی روز است، بگذرد. معتقدم که این تغییرات بمعنای نه تنها نادیده گرفتن زحمات اساتید این حرفه که بلکه به فرمایش استاد بزرگوار جناب دکتر سام آرام : (در همه دنیا پیشرفت علم و مهارت در فرایند تراکم دانش و تجربیات علماء قبلی و نقد سازنده توسط دانش آموختگان جدید حاصل میشود.شکی نیست که تجربیات همه مددکاران

اجتماعی در فضای حرفه‌ای، ارزشمند است و اگر مستند شود میتواند قدمی در پیشرفت حرفه و دانش مددکاری اجتماعی باشد.

ارزش تجربیات و مطالعات همکاران را بدانیم، اینها میتوانند عمدتاً همان جوی بارهای زلالی باشند که به دریاچه موجود مددکاری اجتماعی وارد میشوند. ولی نه إلزاماً

ومعتقدم که این تغییرات نه بدعت و تحریف و ظهور پیامبران جدید که ترمیم و اصلاحی است که توسط بخشی از بدنه جامعه مددکاری انجام می‌گیرد. بخشی از بدنه که خود در این تغییر پیشنهادی وامدار زحمات و آموزشهایی است که پیشترها اساتید برایشان کشیده اند.

اما در ضرورت تغییرات بنیادین در مددکاری اجتماعی کشور ؟

بررسیها نشان می‌دهد که نیمه عمر تولید علم در جهان در سال ۱۹۹۹ سه سال بوده است. این عمر علم در سال ۲۰۱۰ به شش ماه رسید و پیش بینی می‌گردد که در سال ۲۰۲۰ عمر علوم به صد روز خواهد رسید. این بدان معناست که یافته‌های علمی در هر حوزه‌ای بویژه در حوزه‌های انسانی و اجتماعی در حال حاضر ۶ ماه بیشتر دوام نداشته و قابل اعتماد و استناد نیست. چرا که با تغییرات لحظه به لحظه روبروییم. عدم همسویی افراد یا علوم با این تغییرات باعث اختلالی می‌گردد که از آن با عنوان بیسوادی مدرن ! یاد می‌گردد. می‌دانیم که در دهه‌های پیشین کسی بیسواد بود که خواندن و نوشتن بلد نبود. سپس بیسواد به کسی گفته می‌شد که زبان و کامپیوتر بلد نبود و در حال حاضر بیسواد کسی است که بهره دیجیتالی نداشته باشد یعنی سواد آموزشی به روز نداشته باشد. در سند تحول بنیادین دولت قرار است تا سال ۱۴۰۴ تغییرات بنیادینی در عرصه‌های علمی و اجتماعی کشور بوقوع بپیوندد. آیا نشانه‌های این تغییر دیده می‌شود؟! در کارزار رسانه‌ای آقای دکتر موسوی چلک سئوالاتی را در این باب مطرح کردند که بیانگر نگرانی ایشان بود. آقای سرابی اشاره بر این مطلب داشتند و وقتی مطرح کردند با حملات غیر عقلایی روبرو شدند آقای دکتر سام آرام در ضرورت ورود رودها و جویبارها به دریای مددکاری اجتماعی صحه گذاشتند و نگران از

ورود فاضلاب به این دریا!

همکاران محترم ! آیا در لحظات پیش رو که نهایت عمر یک یافته علمی به ۱۰۰ روز می‌رسد، ماندن و درجا زدن در یافته‌های دهه‌های پیشین کمکی به حال مددکاران اجتماعی خواهد بود؟ در مقاله‌ای با عنوان : آیا عصر غولهای فکری به پایان رسیده است؟ چند سال پیش نوشتم که دیگر شاهد ظهور غولهای بزرگ فکری و علمی در جهان نخواهیم بود!

انشتین، ولتر، ابن خلدون، فارابی، دورکیم، سعدی، بتهوون و...

مربوط به دوره هایی از زمان بودند که علم در انحصار افراد خاصی بود و دسترسی به اطلاعات محدود. لذا طبیعی بود که با انبوه اندیشه‌های مترقی اما محدود به افراد خاص روبرو بودیم. اکنون این مسئولیت و خلاقیت بنا به تغییرات جدیدی که اتفاق افتاد و محدوده علم را بسیار وسیع کرده و چرخش آنرا خارق العاده! دیگر این چهره‌های علمی را نداریم اما رشد علم در همه شاخه‌ها در دو سه دهه اخیر بیشتر از کل دستاوردهای بشری از ابتدای خلقت بوده است.

پس حرفه مددکاری اجتماعی هم متاثر از این تغییرات بنیادین است. نیازمند تغییرات اساسی که با شهامت علمی توسط افراد شهیر و گمنام اتفاق بیفتد.

مقاومتهای غیر منطقی و لجاجتهای غیر منصفانه راه علم را سد نمی کند اما به تأخیر می‌اندازد. در جامعه مددکاری اجتماعی کشور افرادی هستند که حرفی برای زدن دارند و تغییراتی را آماده کرده اند لطفاً توانمندانی که می‌توانند تریبون در اختیار آنان قرار دهند چنین کنند تا آنچه را که مهیا کرده اند در اختیار حرفه و هم وطنانشان قرار دهند تا ضمن نقد و ارزیابی قدمی کوچک باشد در اعتلای کشور بزرگمان.

احمدعلی جبارزاده

مددکار اجتماعی

روز جهانی مددکاری اجتماعی و حقوق بشر برای همگان

انسان از زمانی که خود را شناخته دارای حقوقی بوده که در ابتدا صرفاً رفع نیازهای اولیه یعنی تأمین آب و غذا و پوشاک بوده اما رفته رفته با تکامل بشر این حقوق نیز رشد کرده است و در هر زمان بشر حقوق تازه ای برای خود ترسیم کرده است... اما وجه تشابه این دورانها در این است که همیشه این حقوق توسط افرادی ضایع شده است... از حقوق بشر و آزادی انسان گفتن کاری دشوار است مادامی که در جهان نه چندان آزاد امروز حقوق بسیاری از انسانها براحتی پایمال میشود و چه بسا انسانهایی که نه تنها حقوقشان تضییع بلکه جانشان را بیگناه از دست می‌دهند... آن کودک گرسنه و تشنه مانده در شاخ آفریقا حقوق ذاتی و فیزیولوژیش را از چه کسی طلب کند... آن کودک مانده در زیر آتش جنگ تاوان چه چیز را پس می‌دهد؟ آن زن مورد خشونت قرار گرفته تاوان زنانگیش را می‌دهد آیا؟ آن سربازی که به دستور و اجبار مافوقش به جنگ می‌رود و خانواده اش را ترک میکند تا بر روی خانواده ای دیگر آتش جنگ بریزد چگونه می‌تواند از حقوق حقهء خود

سخن بگوید... بشر باید روزی روح آزاد و آرام خود را از این جهان ناآرام و اسیر در چنگ خشونت پس بگیرد.

برابری انسانها مهمترین پایه و اساس حقوق بشر است که همچنان توسط خود انسانها نادیده گرفته میشود... از این نابرابری می‌توان به حقوق نامساوی زنان و مردان حتی در جوامع پیشرفته دنیا نام برد... برای داشتن جهانی پر از صلح و دوستی و حقوق یکسان و عدم تبعیض فرای رنگ، نژاد، پوست، زبان لازم است نگاهمان را عوض کنیم... کشور عزیز ما ایران نمونه ای از رنگارنگی قومیتهاست که همواره در کنار هم به خوبی زندگی کرده اند... وقتی حقوق همه یکسان باشد دنیا بسی زیباتر و جای قشنگتری برای زندگی کردن خواهد شد و هر روزمان را از زیستن لذت خواهیم برد... بیایید دنیایی که متعلق به ما انسانهاست را با کمک هم زیبا و زیباتر کنیم و تلاش کنیم برای ساختن جهانی عاری از هر گونه پلیدی و جنگ و نابرابری... ما مددکاران اجتماعی نیز با توجه به ماهیت حرفه مان که همانا برقراری عدالت و برابری است همگام با دیگران انسانهای صلح دوست بی وقفه برای رسیدن این بار به مقصد تلاش خواهیم کرد....

طیبه جعفری

مددکار اجتماعی

بیانیه حسن ختام کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران به مناسبت ماه جهانی مددکاری اجتماعی

ماه جهانی مددکاری اجتماعی...

روز جهانی مددکاری اجتماعی...

به لطف خداوند شاهد و بزرگ مفتخریم که توانستیم با حضور حداکثری مددکارانی از سرتاسر ایران، کارزار رسانه‌ای گسترده‌ای را در فضای مجازی به مناسبت ماه جهانی مددکاری اجتماعی اجرا کنیم.

کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران از طریق انتشار گسترده مقالات و یادداشتهای مددکاران اجتماعی با موضوعات مختلفی در حوزه‌های مختلف مددکاری اجتماعی ایران و جهان، در وبسایتها و شبکه‌های اجتماعی معتبر اجرا شد.

فرایند زمانی این کارزار رسانه ای، به مدت ۳۸ روز کاری در نظر گرفته شد که با مدنظر قراردادن کلیه جوانب و پارامترهای رسانه‌ای و با تأکید بر ثبات تحرکات مربوطه مدیریت

شد.

چینش مقالات و یادداشتها از ابتدا تا روز آخر کارزار رسانه ای، با ارزیابی دقیق و با رصد لحظه به لحظه شرایط و موقعیتهای مختلف فکری مخاطبین ما صورت پذیرفت.

کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی دستاوردهای مهمی داشت که بصورت مختصر به موارد مهم آن اشاره خواهیم داشت :

*** جلب مشارکت مددکاران اجتماعی جهت حضور در این حرکت رسانه‌ای بدون هیچ گونه محدودیت فردی و شغلی و سازمانی و ... بوده است. بطوریکه از سطوح مختلف جامعه مددکاران اجتماعی ایران در این کارزار حضور داشته اند. از مددکاران شاغل در سطوح بالای شغلی در سازمانهای مختلف گرفته تا فرد یا افراد مددکار در حین ادامه تحصیلات دانشگاهی... مدیران و مددکاران شاغل در کلینیک های مددکاری اجتماعی ... اساتید دانشگاهی مددکاری اجتماعی... روسای دو صنف از سه صنف اصلی مددکاران اجتماعی ایران ... مددکاری جوان و نزدیک به انجمن علمی مددکاری اجتماعی و مددکار جوان دیگری متمایل به انجمن مددکاران اجتماعی ایران ... همه و همه یک صدا، با قلمهای توانمندشان، نوای دلنشین و ندای تحسین برانگیز راستین وحدت مددکاران اجتماعی ایران را سر دادند.

*** آزاد سازی صداهای سرکوب شده به صورت کاملاً مشهود و محسوس در مقاطع زمانی مختلفی از این کارزار رسانه‌ای صورت پذیرفت و بصورت هدفمند محقق شد.

*** محترم و ارزشمند شمردن تفاوتها در اشکال و مدلهای عملیاتی مختلفی تمرین و تجربه شد. بطوریکه به مدلها و اشکال مختلف فکری و اعتقادی مددکاران اجتماعی (البته در موضوعات مشابه از قبل تعیین شده) فرصت بروز داده شد.

*** مددکاران اجتماعی ایران در قالب اجرای این کارزار رسانه‌ای توانستند برنامه‌ها و ایده‌های مختلف فکری حرکتی خود را بدون هیچ نگرانی و تشویش و اضطرابی و در فضایی محترمانه اعلام و به بحث و چالش بکشند.

*** تمرین و تقویت و گسترش فعالیتها و تحرکات جمعی و گروهی رسانه‌ای در بین مددکاران اجتماعی ایران

*** معرفی مددکاران اجتماعی فعال در سطح کشور به کاربران داخلی و خارجی وبسایتها و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و متقابلا به سازمانها و انجمن‌های فعال و متولی مددکاری اجتماعی ایران از طریق اجرای همین کارزار رسانه ای

*** برنامه ریزی و تصمیم جمعی در خصوص تهیه و چاپ و انتشار کتاب کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی با هدف ثبت مقالات و یادداشتها و نظرات مددکاران اجتماعی در مقطع زمانی حاضر

*** رونمایی و معرفی وبسایت‌ها و پایگاههای مجازی راه اندازی شده جدید در حوزه مددکاری اجتماعی ایران به جامعه مددکاران اجتماعی ایران، دانشجویان مددکاری اجتماعی، سازمانهای متولی مددکاری اجتماعی و...

همراهان ما در این کارزار رسانه‌ای...

بدینوسیله از همراهی صادقانه و ارزشمند یکایک همراهان حقیقی و حقوقی کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی نهایت تقدیر و تشکر بعمل می‌آید.

مدیران محترم وبسایت‌های:

- وبسایت تخصصی مددکاران اجتماعی (جناب آقای امین موحدی)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی سفیر سلامت (سرکار خانم کبری راد آج‌پیشه)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی پویان (سرکار خانم بابابیان)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی آیدا (جناب آقای احمد علی جبارزاده)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی شمس کریمان (سرکار خانم مهری فتاحی)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی نوید زندگی (سرکار خانم طیبه جعفری)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی به روش (سرکار خانم حسین زاده)
- وبسایت کلینیک مددکاری اجتماعی پارسا (سرکار خانم نازنین روستا)
- وبسایت مددکاری اجتماعی ۲۰۱۲ (جناب آقای دکتر محمدرضا ایروانی)
- وبلاگ سوشیال نیوز) جناب آقای امیر مغنی باشی منصوریه)
- وبسایت رسمی مددکاران اجتماعی ایرانیان

افراد و شخصیتها

- جناب آقای سید حسن موسوی چلک (ریاست محترم انجمن مددکاران اجتماعی ایران)
- جناب اقای سید احمد رحیمی (ریاست محترم کانون سراسری کانون مراکز مددکاری اجتماعی کشور)
- جناب آقای رضا ببری (مدیریت محترم کلینیک مددکاری اجتماعی مهرآذر)
- جناب آقای عباسعلی یزدانی (عضو هیأت مدیره انجمن مددکاران اجتماعی ایران)
- جناب آقای مهدی فلاحی (مدیریت محترم کلینیک مددکاری اجتماعی پونا)
- سرکار خانم مریم پرمحمدی آذر (مدیریت محترم کلینیک مددکاری اجتماعی طلوع سبز)
- جناب آقای حامد علمایی (مسوول دفتر اسبق انجمن مددکاران اجتماعی ایران)
- جناب آقای علیرضا ایزدپور (ریاست محترم کانون مراکز مددکاری و انجمن مددکاران اجتماعی استان سمنان)
- سرکار خانم مریم عباسی (مدیریت محترم کلینیک مددکاری اجتماعی پندار)
- جناب آقای مرتضی دانایی فر (کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی)
- جناب اقای بهروز علایی (مددکار اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی استان البرز)
- سرکار خانم نگین امانی (مسوول فنی محترم کلینیک مددکاری اجتماعی پارسا)
- سرکار خانم جوهر قلی (مدیریت محترم کلینیک مددکاری اجتماعی احسان)
- سرکار خانم صابره صادقی (دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی)
- جناب آقای همایون قستی (مدرس دانشگاه و مشاور خانواده)
- و سایر دوستان و اساتید بزرگوار

تشکر ویژه

در پایان از همراهی صمیمانه، زحمات و تلاشهای بیدریغ وبسایت تخصصی مددکاران اجتماعی ایران به مدیریت جناب آقای امین موحدی و همکاران محترمشان که در طی مدت زمان اجرای کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران، همواره یار و یاور ما بودند و در کلیه شرایط سهل و دشوار این مسیر رسانه ای، از هیچ تلاشی جهت همکاری فروگزار ننمودند تقدیر و تشکر ویژه بعمل می‌آید.

جواد طلسچی یکتا

دبیر کمیته اجرایی کارزار رسانه‌ای مددکاران اجتماعی ایران

کارزار رسانه‌ای
نمایشی بزرگ از اتحاد و همدلی مددکاران اجتماعی

یکی از مقولاتی که جامعه مددکاران اجتماعی، همواره با آن دست به گریبان بوده است عدم اتحاد و همدلی برخی از علما و اصحاب مددکاری اجتماعی در موضوعات و مسائل مختلف این حرفه است و قطعاً تبعات منفی این واگرایی را می‌توان در نارسایی‌های موجود در رشد و توسعه این حرفه در عرصه‌های مختلف به وضوح احساس نمود. یکی از ویژگی‌های ممتاز کارزار بزرگ و رسانه‌ای مددکاری اجتماعی تلاش برای تقویت بعد همگرایی و وحدت شرکت کنندگان و تمرین اتحاد و همدلی بود. شرکت کنندگان در این کارزار به رغم اختلافات سلیقه‌ای و فکری، در زمینه اهداف اعلام شده روز جهانی مددکاری اجتماعی با محوریت شعار حرمت مقام و ارزش انسانی در قالب یادداشت و مقالات به بیان دیدگاههای خود پرداختند و ضمن تلفیق تجارب و تئوریهای حرفه و تولید علم، تمرین اتحاد و همدلی

را به نمایش گذاشتند.

از دستاوردهای مهم دیگر این کارزار حرکت رو به جلو در جهت معرفی حرفه به جامعه است. اعقاد داریم یکی از مشکلات عمده مددکاری اجتماعی ایران، در درجه اول عدم شناخت است نه بیکاری و مسائل دیگر. تا شناخت معقول و خوبی از این حرفه برای جامعه و مدیران وجود نداشته باشد بیکاری و عدم اشتغال مددکاران کماکان وجود خواهد داشت. پس باید از کوچکترین فرصتها، بیشترین استفاده را در جهت معرفی این حرفه بعمل بیاوریم.

جا دارد از تلاشهای بی وقفه جناب آقای جواد طلسچی یکتا مددکار اجتماعی سخت کوش و دبیر کارزار رسانه‌ای مددکاری اجتماعی تقدیر و سپاسگزاری بعمل بیاوریم.ایشان علاوه بر اینکه در اجرا و مدیریت این کارزار نقش اساسی را ایفاء نمودند، با طراحی و مدیریت دهها وبگاه مجازی مددکاری در چند سال گذشته، تحول بزرگی را در ارتقاء رسانه‌ای این حرفه مظلوم در فضای مجازی به وجود آورده اند.

وبسایت تخصصی مددکاران اجتماعی

روز جهانی مددکاری اجتماعی
۱۷ مارس ۲۰۱۵ (۲۶ اسفند ۱۳۹۳)
ترفیع شان و ارزش انسان ها
جوامع با حرمت
=
آینده پایدار
حمایت از
حقوق بشر
برای همگان
آزادسازی
صداهای
سرکوب
شده
احترام به
عقاید
~
ارزشمند شمردن
تفاوت ها
مددکاران اجتماعی درپی
شان و مقام انسانها
www.ifsw.org